



ویژه نامه، به یاد ۷ سال مبارزهٔ خلق ترکمن

و به یاد سالگرد شهادت توماج و هم‌زمان

ایل گویجی

نشریهٔ کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شمارهٔ ۴ - زمستان ۶۴

- ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا سا زمانده
- ۳ میزبان زحمتکشان
- ۶ علل و زمینه های جنگ در ترکمن صحرا
- ۱۵ مبارزه دهقانان ترکمن صحرا ادا می دهد
- بیا دشیدان جاویدان خلق ترکمن توماج،
- ۱۲ مختوم، واحدی و جرجانی
- ۱۶ آماج تیرهای فراوان شد توماج
- ۱۸ شورا تیلورا راده دهقانان ترکمن صحرا
- گرمی باد دوم بهمن، چهلمین سال تاسیس
- ۲۲ حکومت خودمختار کردستان
- ایل گویچی - سیل گویچی - تورکمن صحرا
- ۲۵ شهروان و بام زحمتکش لری
- ۲۸ هفتمین سالگرد هجوم رژیم به بندر ترکمن
- ۳۰ از مبارزه معلمان ترکمن صحرا
- ۳۴ از نبرد انشاموزان ترکمن صحرا
- ۳۶ صیادان ترکمن صحرا، علیاربا بان و رژیم خمینی
- ۳۸ نقش شوراهای محلی در تشکیل توده ها
- ۴۰ زنان ترکمن صحرا به مبارزه خویش ادا می دهند
- ۴۲ نقش آگاهانه کتابخانه های روستایی و محلی
- ۴۵ لحظه هایی از جنگ کنید
- ۵۰ اتانینگ سن لشی

ایل گویچی (قدرت خلق)

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

دوره دوم - سال اول - شماره ۴ - زمستان ۱۳۶۴

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

سازمانده مبارزه زحمتکشان

بودند. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به آنها رهنمود می داد و اعلام داشت: زمینهای بزرگ مالکان و ماشین آلات کشاورزی آنها را مصادره انقلابی کنید. برای اینکه قدرتمند باشید و در مقابل توطئه های زمینداران بزرگ بتوانید این زمینها را حفظ کنید، و آنها را به خوبی مورد بهره برداری قرار دهید، شورای روستایی را تشکیل دهید، متحد شوید و به کشت دسته جمعی و شورایی بپردازید. این است رمز پیروزی شما.

این نقطه آغازی بود برای سازماندهی مبارزات زحمتکشان منطقه انقلاب ارتگانهای خاص خود را طلب می کرد. جنبش شورایی گسترش یافت، شوراهای بسیاری شکل گرفت و ضرورت ایجاد یک مرکز واحد برای هماهنگی امور زحمتکشان در زمینه های مختلف احساس می شد. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا به همت فرزندان انقلابی خلق و پشتیبانی زحمتکشان شهر و روستا پا گرفت. و پیشاپیش آنها به حرکت پرداخت. و بزودی با توده ها پیوند ناگسستنی یافت. توده ها باید خود اداره امور خویش را بدست

۷ سال پیش در اسفند سال ۱۳۵۷ ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در گنبد پا گرفت و نزدیک به یک سال رهبری مبارزات زحمتکشان منطقه و بویژه دهقانان را بر علیه بزرگ مالکان و اشراف برعهده داشت. ستاد ارتگانی جوشیده از درون مبارزات توده ها بود و مورد حمایت قاطع آنها قرار داشت. دهقانان رنج کشیده ترکمن صحرا که با رها مبارزاتشان بر علیه غاصبان درباری و محلی و حشیانه سرکوب شده بود، همزمان با اوج گیری جنبش انقلابی در کشورمان اقدام به مصادره زمینهای بزرگ مالکان کردند. با پیروزی انقلاب و تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن توسط روشنفکران انقلابی ترکمن در منطقه که بدرستی در کنار شعارهای مبنی بر رفاه ستم ملی، شعار باز پس گرفتن زمینهای غصبی را مطرح می کرد، جنبش دهقانی اوج تازه ای گرفت. دهقانان منطقه که بر اثر سالها سلطه دیکتاتور و سرکوب شدن از تشکلهای صنفی خود بی بهره بودند، به کانون مراجعه و خواهان پاسخ انقلابی به خواسته های خود

گیرند، این محور کارستا دبیود. ستاد بر آن بود که توده‌ها توسط شکل‌های مرکب از نمایندگان منتخب خود می‌توانند و با یتما می‌مسایل خود را حل و فصل کنند. ستاد در تهیه و تنظیم وظایف شوراهای روستایی و شوراهای محل به زحمتکشان منطقه کمک می‌نمود. در روستاها این وظایف از مصادره زمینها و کشت و داشت و برداشت آنها گرفته تا حل مسایل رفاهی و درمانی و عمران و آبادانی و حل اختلافات را در بر می‌گرفت.

مبارزات دهقانان منطقه ایجاد شد. در بهمن ۵۸ اتحادیه سراسری شامل حدود ۲۵ اتحادیه بود. نمایندگان دهقانان در اتحادیه سراسری مسایل مختلف زندگی سیاسی منطقه و کشور را مورد بررسی قرار می‌دادند. علاوه بر این ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در مقاطع حساس و ضروری و برای ثمربخشی بیشتر کارها کرده‌ام آیی تمام نمایندگان شوراهای منطقه را تشکیل می‌داد که به اجلاس شورا انگیز توده‌ها مبدل



ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا
سنگرز زحمتکشان علیه ارتجاع و امپریالیسم
می‌گردید.

ستاد سازمانده مبارزات زحمتکشان در مقابل حاکمیت جدید که نمی‌خواست کار توده‌ها را بدست خود آنها بسپارد، بود.

زحمتکشان منطقه و شوراهای با مشاهده عملکرد صادقانه و انقلابی ستاد بر گردان حلقه زدند و ستاد موقعیت توده‌ای بی نظیری یافت و زحمتکشان را در همه امور سیاسی و اقتصادی هدایت می‌کرد.

تحت رهبری ستاد طی یک سال در نزدیکی به ۴۰۰ روستای منطقه از کرانه‌های دریای خزر تا جرجلان شورا ایجاد شد. پاره‌نمودهای ستاد و استقبال دهقانان منطقه اتحادیه‌های دهقانی برای تامین خواسته‌های صنفی و سیاسی آنها تشکیل گردید و در آن ۵۸ از ۱۳ اتحادیه موجود اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا بعنوان یک شکل سراسری بی نظیر در تاریخ

خلق ترکمن به فراخوان ستاد در مورد عدم شرکت در فرآیند م جمهوری اسلامی پاسخ مثبت داد. و در انتخابات مجلس خبرگان از کاندیداهاى ستاد، شهید آیت الله حاج و مختوم که طی آن بیش از صد هزار رای آوردند، حمایت کردند. فرزندان انقلابی خلق در ستاد و کانون همچنین مبارزات توده‌های شهری را نیز هدایت می‌کردند. در انتخابات شوراهای شهر در گنبد بندر ترکمن، کاندیداهاى ستاد و کانون، با اکثریت قاطع آرا انتخاب شدند. برپایی انتخابات شوراهای محلی و رهنمودها از جمله دیگر اقدامات ستاد و کانون است. همچنین تشکیلات شوراهای قالیبافان، شوراهای کارگری در برخی از کارخانجات و تشکیلات شوراهای صیادان در بندر ترکمن و گمش‌دفه را بایندگرت نمود که ستاد و کانون در سمت سمت‌دهی و رهبری آنها نقش اساسی داشتند. بزرگ مالکان و ارتجاع حاکم که در چهره ستاد و شوراهای دشمنان واقعی خود را مشاهده می‌کردند، از هیچ توطئه‌ای بر علیه آنها فروگذار نمی‌کردند. آنها سعی داشتند، مبارزات زحمتکشان و مردم منطقه بر علیه جیره‌خواران رژیم شاه را مناقشه‌ترکمن و غیر ترکمن و اسلام با کفر و انمود سازند و اما ستاد در این مورد نیز به میزان زیادی کوشش‌های آنها را بی‌ثمر گذاشت. شرکت زحمتکشان زابلی بلوچ و... در شوراهای دهقانی و اتحادیه‌ها و حضور نمایندگان

آنها در گروه‌های شوراهای و برقراری تفاهم ملی، طی مدت طولانی با وجود آنها توطئه‌همگی دال بر سیاستهای اصولی ستاد در این رابطه است. توطئه‌های بزرگ مالکان و تجار و ارتجاعیون منطقه منجر به درگیری‌های مختلف و از آن جمله تحمیل دو جنگ برادرکشی به مردم منطقه گردید. ولی در این موارد نیز با زستاد پیشگام جلوگیری از خونریزی و برقراری صلح و آتش بس بود. ولی مرتجعین حاکم می‌خواستند با تحمیل جنگ به خلق ترکمن دستاوردهای مبارزات آنها را پایمال کنند و بزرگ مالکان را بر زندگی و کار زحمتکشان دوباره مسلط سازند. کارنامه یک ساله ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا افتخار آفرین است. ستاد طی این مدت کوتاه گامهای ارزشمندی در جهت آگاهی، تشکل و سازماندهی توده‌ها به پیش برداشت. بساط بزرگ مالکان را از منطقه برچید. دهقانان را از قید و بند بزرگ مالکان رها کرد و در فضایی آزاد و دموکراتیک ابتکارات توده‌ها را شکوفانمود. دهقانان زحمتکش با تشکیلات شوراهای و اتحادیه‌های خود به قدرت خویش آگاه شدند و بر ضرورت مبارزه متحد و سازمان یافته پی بردند. نام شورا اکنون با زندگی و مبارزه هر روستایی ترکمن صحرا گره خورده است. پی سبب نیست که مبارزه دهقانان ترکمن صحرا هنوز ادامه دارد. بقیه در صفحه ۳۳

گرامی باد هفتمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن

علل و زمینه‌های جنگ

در ترکمن صحرا

با سرنگونی رژیم سرسپرده شاه خائن بندهای گران دست و پیکان زحمتکشان ترکمن صحرا نیز گشوده شد، آنان که به قصد راهی خویشتن همگام با انقلاب بپا خاسته بودند با راهنمودگان فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن که در همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب توسط نیروهای انقلابی ترکمن تشکیل شده بود شوراهای روستایی خود را برپا ساختند و متحدانه تحقق شعارهای خود از جمله بازپس گرفتن زمینهای از دست رفته شان که حالا اربابان و غاصبین آن یا فرار کرده و یا موقتاً به گوشه‌ای خزیده بودند، پرداختند.

استقبال زحمتکشان ترکمن صحرا از رهنمودهای کانون مبنی بر تشکیل شوراهای روستایی و مصادره زمینها و اموال غاصبین و ملاکان بزرگ آنچنان گسترده بود که بفاصله زمان کوتاهی ایجاد مرکز دیگری برای سازماندهی و هماهنگی اقدامات انقلابی آنها یک امر بسیار ضروری و فوری گردید که در نتیجه او اسطاسفند ۱۳۵۷ ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تشکیل گردید. ولی غاصبین و بزرگ مالکان و محافظ ارتجاعی که منافعشان با انقلاب مردم ایران مغایرت داشت دست به توطئه و دسیسه زدند. بزرگ مالکان زخم

خورده و مرتجعین حاکم که از خیزش توده‌های دهقانانی به وحشت افتاده بودند تلاش می‌کردند که با شیوه‌های کهنه و همیشگی دشمنان مردم به تفرقه و دوستگی بین ترکمن و غیر ترکمن و شیعه و سنی دامن زده و بریستر آن به سرکوب مبارزات مردم منطقه بپردازند. و به قیمت برافروختن جنگ و پایداری کردن حقوق دهقانان زحمتکش منطقه منافعی نامشروع خویش را تا مینمایند. نگرانی‌های خلق ترکمن از همان روزهای اول انقلاب با مشاهده افراد تشکیل دهنده کمیته‌های باصلاح انقلاب و پاداران و مهمتر از همه چگونگی برخوردیهات حاکمه جدید با اساسی‌ترین خواست خلق ترکمن یعنی رفع ستم ملی طبقاتی آغاز شد. چرا که روحانیون اعزامی خمینی بعنوان نماینده به ترکمن صحرا (شهرهای گنبد و بندر ترکمن و آق قلا و غیره) به بهانه مصالح اسلام و انقلاب اسلامی و غیره تنها حاضر نبودند حرفی از برابری خلقها و رفع محرومیت‌های سالیان متمادی گذشته بزنند بلکه طرح اینگونه مسایل را انحرافی و غیر اسلامی و دشمنی با انقلاب اعلام می‌کردند.

اوج گیری مبارزات مردم ترکمن صحرا علیه بزرگ مالکان و نیز در راه کسب حقوق ملی خویش عوامل امپریالیسم و مرتجعین درون حکومت را که حاکمان پرور مالکان بودند به وحشت بیشتر انداخت. ارتجاع با توطئه‌ها و تهدیدها و در مواردی قتل و کشتار مردم نتوانست زحمتکشان را به

عقب نشینی و ادا دارد. ارتجاع مغول و اربا حمله مسلحانه توسط پاسداران گنبد به تجمع مسالمت آمیز خلق ترکمن در روز ۶ فروردین ۱۳۵۸ که به دعوت کانون صورت گرفته بود جنگ ناخواسته ای را به مردم منطقه تحمیل نمود. خلق ترکمن با مقاومت متحدانه سراسری با وجود سرازیر شدن پاسداران کمکی دیگر شهرها توانست آنها را وادار به عقب نشینی کرده و صلح را بکشد. جنگ افروزان تحمیل کنند، و در برداشت اولین محصول پس از

موفقیت بزرگی کسب کردند. زحمتکشان با برگزاری جشن گندم که طی سالیان حکومت شاه از سرگزاری آن نیز محروم بودند، پیروزی خود را جشن گرفتند آنها پیش از هر زمان دیگری به قدرت اتحاد و تشکل خود پی بردند. و با همکاری ستاد مرکزی شوراهای به پیشروی خود ادامه دادند. تشکیل اتحادیه سراسری و انتشار خبرنامه ترکمن صحرا که اخبار کار و پیکار شوراهای و اتحادیه های دهقانی و مبارزات



تصویری از ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا پس از یورش رژیم گنبد

پیروزی انقلاب دولت مجبور شد به مذاکره با نمایندگان شوراهای روستایی تن داده و پیشنهادات آنها را بپذیرد. زحمتکشان ترکمن صحرا با برداشت محصول از زمینهای اجدادی شان که چندین سال حتی از گام گذاشتن در آنها محروم بودند، در پناه اتحاد و مبارزه خود

کارگران و زحمتکشان سراسری کشور را انتشار می داد، یکی از موفقیت های بسیار بزرگ زحمتکشان نه تنها در ابعاد ترکمن صحرا، بلکه در تمام کشورمان بود. زحمتکشان ترکمن صحرا که اینک با تشکیل اتحادیه ها و اتحادیه سراسری از توان و امکان بسیار

نیرومندی برخوردار شده بودند، با برگزاری یکی از کنگره‌های خود در اوایل فصل کشت پاییزه سال ۵۸ تصمیم گرفتند، بمنظور بالا بردن سطح تولیدغات کشور و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع هرطور شده تمامی اراضی تحت تصرف خود را بطور اصولی زیر کشت ببرند. در نتیجه زحمتکشان سراسر ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شوراهای اتحادیه‌ها بسیج شده و با حمایت بدریغ از یکدیگر بویژه از لحاظ ماشین آلات و تهیه بذور نیروی انسانی مورد نیاز موفق شدند، کشت صحیح و اصولی صدها هزار هکتار زمین با زپس گرفته شده را تا رسیدن فصل زمستان و نامساعد شدن شرایط جوی با موفقیت به اتمام برسانند. این موفقیت عظیم زحمتکشان مشت محکم و کوبنده دیگری بود بر دهقانان بزرگ مالکان و غاصبین زخم خورده و حاکمان آنها که می گفتند زحمتکشان ترکمن صحرا بدون آنها قادر به کشت اینهمه زمین نیستند. مالکان و سرمایه داران بزرگ و حاکمانشان در حکومت از هیچ توطئه و دسیسه‌ای دست نمی کشیدند آنها برای نا امن جلوه دادن منطقه هرروزه روستایی مسلحاننه حمله می بردند و اعضای شوراهای دهقانان را مورد ضرب و جرح قرار می دادند آنها با همکاری فرماندهان شاه پرست ژاندارمری و قاچاقچیان حرفه‌ای، ساواکیها و اشراک منطقه هرروزه روستایی حمله می برد و اعضای شوراهای دهقانان را مورد ضرب و جرح قرار می دادند و با ایجاد نا امنی زمینه را برای هجوم سراسری رژیم فراهم می ساختند.

مبارزه دهقانان ترکمن صحرا که با یگانگی خویش و تشکلی در شوراهای اتحادیه‌های دهقانی بزرگ مالکان را از روستاهای منطقه بیرون راندند، تاثیر بزرگی بر مبارزه دهقانان سراسر کشور بویژه استانهای همجوار برجای گذارد. بزودی جنبش دهقانی در سراسر کشور که دهقانان ترکمن صحرا پرچمدان آن بودند، اوج تازه‌ای گرفت و مصداق دره زمینهای بزرگ مالکان به شعاری سراسر کشور بدل گردید.

مبارزه دهقانان ترکمن صحرا رژیم جمهوری اسلامی را مجبور می ساخت که به این خواست دیرینه دهقانان زحمتکش پاسخ گوید. رژیم توان آنرا نداشت که با اقدامی مترقی این آرزوی دیرینه دهقانان زحمتکش میهنمان را حاکمه عمل بپوشاند. و به این دلیل روش ممالشات و تلاف وقت را پیشه کرد. دهقانان ترکمن صحرا که خود بساط بزرگ مالکان را با نیروی اتحاد و با رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا بر چیده بودند، بهیچ وجه حاضر به قبول شرایط و اوضاع و احوال سابق نبودند. رژیم از اینکده دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا خود اراده خویش را اعمال می دارند و بر سرنوشته خود حاکم اند و حشت داشت، و از اتحاد و تشکلی توده‌ها می ترسید. این امر سبب شد که مرتجعین حاکم از هر فرصتی برای سرکوب جنبش دهقانان ترکمن صحرا سود جویند و به هر وسیله‌ای متوسل شوند. توطئه‌چینی‌های مسئولان حکومتی در منطقه جز این هیچ معنا و مفهومی نداشت.

دوم گنبد، رژیم جنایتکاران
نه تنها به هیچ یک از خواسته‌های
عادلانه و برحق خلق ترکمن پاسخ
نگفته است، بلکه همه کوشش و تلاش
آن مصروف با زیرین گرفتن
دستاورد‌های ارزشمند و گران‌بهای
مبارزه دهقانان و مردم ترکمن
صحرا بوده است.

اکنون مدت‌هاست که ماهیت
ضددموکراتیک و ضد مردمی رژیم
جمهوری اسلامی برای همه خلق‌های
میهن ما روشن شده است. رژیم
جمهوری اسلامی حامی بزرگ مالکان
و بزرگ سرمایه‌داران و دشمن
کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان
است. این رژیم دشمن خلق‌های
میهن ما و آزادی و دموکراسی
است. و روز بروز مبارزه علیه آن
در سراسر کشور گسترش بیشتری می‌یابد
خلق ترکمن در مبارزه علیه
اقتناق و استبداد و برای تحقق
خواسته‌های ملی خویش، تنها نیست.
دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا
در راه مبارزه قاطعانه با
بزرگ مالکان و رژیم حامی آنها
تنها نیستند و روز بروز فریاد اعتراض
کارگران، دهقانان و همه
زحمتکشان میهنمان علیه رژیم
رسانه‌ای می‌شود. بی‌گمان اتحاد و
یگانگی خلق‌های سراسر کشور
همچنانکه رژیم شاه خائن را بگور
سپرد، مرتجعین حاکم را نیز به
زباله دان تاریخ خواهد فرستاد.



خلق ترکمن یکپارچه و متحد
همچنان برای خود مختاری و حقوق
ملی خویش می‌رزمید، خلق ترکمن
علیه همه اجافات ملی سالیان
طولانی که رژیم استبدادی شاه به
آن تحمیل کرده بود، بی‌اخته
بود و دیگر حاضر نبود محدودیت‌های
فرهنگی و ملی را بپذیرد. رژیم
خمینی از همان ابتدا علیه این
خواست عادلانه خلق ترکمن اقدام
نمود و هرگونه آزادی خواهی
و طلب حقوق ملی را "ضد انقلابی"
خواند. رژیم جمهوری اسلامی
سرکوب حقوق ملی خلق ترکمن
را باستان گذشته ادامه داد و از
اعتلای فرهنگی و ملی خلق ترکمن
در هراس بود. رژیم می‌ترسید،
که فریاد خلق ترکمن، فریاد خلق
کرد و فریاد خلق‌های دیگر کشور بهم
به پیوند و بساط ظلم و استبداد را
برچیند. وحشت رژیم از طرح خواسته‌های
ملی توسط خلق ترکمن و ارگان‌های
مردمی آن ستاد و کانون فرهنگی
و سیاسی خلق ترکمن از اینجنانا می
می‌شد و این امر انگیزه دیگری
برای سرکوب مردم ترکمن صحرا بود
جنگ جنایتکارانه دوم در بهمن
ماه ۵۸، بر چنین بستروز مینه‌ای
شکل گرفت، سرکوب و وحشیانه
مبارزین انقلابی در ترکمن صحرا
با هر بهانه‌ای که صورت گرفته
باشد، هیچ علت و دلیلی جز علل
فوق نداشت.

اکنون با گذشت ۶ سال از جنگ

مبارزه دهقانان ترکمن صحرا ادامه دارد

رژیم منحوس پهلوی پرآنها را داشته از میان برداشته شود. عوامل ارگانهای سرکوب در روستاها (ریسای پاسگاههای ژاندارمری ساواک و عوامل آن) را به پای میز محاکمه بکشند و آنها را بسزای اعمال خود برسانند.

روستا نشینان زحمتکش ترکمن صحرا از انقلاب انتظار داشتند مدرسه و درمانگاه، پزشک و معلم راه و دیگر امکانات یک زندگی انسانی برای روستاییان زحمتکش فراهم آورد، بیسوادى راریشه کنن سازد، کمبود آب آشامیدنی و بطور کلی عقب ماندگی و فقر را از میان ببرد، بدهی های دهقانان به بانک ها را ملغی نماید.

دهقانان ترکمن صحرا و با این اهداف در انقلاب شرکت کردند و دوشادوش یکدیگر بطور متحد و یکپارچه زمینهایشان را که با زور و حیل و تزویر از آنها غصب شده بود، باز پس گرفتند و با پیروزی انقلاب با کمک فرزندان انقلابی خود در شهر و روستا برای پاسداری از انقلاب و زمینهای مصادره شده با تشکیل شوراهای دهقانی اقدام به کشت شورایی زمینها نمودند. فئودالها و زمینداران بزرگ زخم خورده و نیروهای مترجم حامی آنان در جمهوری اسلامی از همان آغاز انقلاب شروع به مخالفت با مصادره انقلابی اراضی و کشت آنها توسط دهقانان

یکی از جدی ترین مسایلی که در منطقه ترکمن صحرا وجود داشت حتی گهگاه سبب درگیری های خونینی بین دهقانان و مالکان می شد. باز پس گرفتن زمینهای غصبی از غاصبان یعنی بیسوزگ مالکان، امرای ارتش و درباریان وابسته به خاندان منحوس پهلوی بود.

دهقانان ترکمن صحرا آرزو داشتند زمینهایی را که بزور سرنیزه ژاندارمها از آنها گرفته شده بود، باز پس گیرند و خوروی آن کشت نمایند و محصول آنرا خود صاحب شوند. و بر سر نداشتن و کار خویش مسلط گردند. دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا برای دستیابی به این اهداف بود که ما نند میلیونها دهقان زحمتکش در سراسر ایران به عرصه مبارزه کشیده شدند و دوش به دوش سایر خلقهای ایران و به کمک هم طومار حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را درهم پیچیدند.

دهقانان ترکمن صحرا انتظار داشتند که انقلاب قبل از همه شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" را تحقق بخشد و در جهت بهبود وضع زندگی مشقت بارشان گام بردارد. بعلاوه فشارها و تبعیضها و محرومیت های اقتصادی سیاسی و فرهنگی که بر خلق ترکمن اعمال می شد، پایان یابد. مردم ترکمن صحرا می خواستند ستم مضاعفی را که سالیان سال

نمودند، و به سنگ اندازی در مقابل حرکت عظیم صادره و کشت شوری، زمینها پرداختند. آنها مدام در حال توطئه علیه دهقانان بودند، حتی در مواردی توطئه‌های آنان منجر به قتل و کشتار دهقانان و کودکان روستایی می‌گردید. بعد از اولین جنگ تحمیلی گنبد دهقانان مبارزه خود را علیه بزرگ مالکان وسعت و شدت بخشیدند و با گسترش و استحکام شوراها شروع به کشت شوری زمینها نمودند. علیرغم اینکه دهقانان در آن زمان احتیاج به ماشینهای کشاورزی کود و سموم شیمیایی و وام برای گسترش و زیاده‌محصول داشتند، جمهوری اسلامی هیچگونه کمکی به آنها ننمود. شوراها با همیاری یکدیگر و دهقانان ستمدیده و مبارز و با رهبری ستاد مرکزی شوراها برای ترکمن صحرا توانستند زمینهای زیادی را با حداقل امکانات زیرکشت بزنند. و علیرغم تبلیغات، که علیه شوراها می‌شد، موفق به برداشت محصول خوبی شدند. زمانی که دهقانان به داشت و برداشت محصول مشغول بودند زمینداران بزرگ و دلتمردان مرتجع حامی آنان از هیچگونه توطئه علیه شوراها و زحمتکشان روستایی کوتاهی نمی‌کردند تا اینکه در روز ۲۵ بهمن ۵۸ پاسداران جمهوری اسلامی با حمله به مردم بی دفاع گنبد، حمله به دستاوردهای انقلاب و جنبش انقلابی دهقانان ترکمن صحرا را برای درهم‌شکستن آنها با ردیگر

آغا ز نمود. بعد از جنگ دوم پاسداران انقلاب اسلامی با هجوم به روستاها به آزار و اذیت روستاییان پرداخته و فعالین شوراها را به بهانه‌های مختلف به زندان انداختند و آنها را به حبس‌های طویل‌المدت محکوم و حتی تعدادی از بهترین فرزندان انقلابی خلق ترکمن و فعالین شوراها را جانانمردانسه تیرباران نمودند.

آنها سعی داشتند شوراها را موقری را منحل کرده و با دستگیری اعضای فعال و مبارز و با تهدید و ارباب دیگر اعضای شوراها، عوامل خود را در آن جای دهند تا شوراها را نه بر علیه بزرگ مالکان بلکه بر علیه نیروهای انقلابی سازمان دهند و آنها را به مجری اهداف ارتجاعی خود در روستاها تبدیل نمایند. آنها می‌خواستند شوراها را از مضمون مردمی خود تهی سازند. با گسترش و تشدید خیانت آشکار سران جمهوری اسلامی به انقلاب مردم قهرمان ایران، هجوم به تمامی دستاوردهای انقلاب شدت یافت. فشار نیروهای ارتجاع به شوراها بیشتر گردید، در مقابل مقاومت شوراها برای انقلابی دهقانان، ارتجاع هر چه بیشتر به شیوه‌های ارباب و سرکوب متوسل شد.

در حال حاضر زمینداران بزرگ با دردست داشتن "حکم شرعی" از دادستانی به روستاها مراجعه کرده و خواهان استرداد زمینهای صادره‌ای دهقانان می‌شوند و با کمک سپاه ژاندارمری بقیه در صفحه ۲۹

زمین از آن کسانیست که روی آن کار می‌کنند!

بیاد شهدای جاوید خلق ترکمن

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

گندمزاران موج خون شد



شهید
طواق محمد واحدی



شهید
حسین جرجانی



شهید
عبدال حکیم مختوم



شهید
شیر محمد درخشنده
توماج

نقل می‌کرد، آنوقت شراره‌هایی که در چشمانش می‌درخشید، می‌دانستی که چه عشق عظیم و احترامی به مردمش دارد. وقتی که از ترکمن صحرا می‌گفت ممکن نبود که آرام بنشینم و بشنوی همه احساسش را به شنونده یکجا منتقل می‌کرد. این جرقه‌ها، خیر از آتشی در درون می‌داد که باید روزی گرمای یک نبرد بزرگ را تا مین می‌کرد. برای ملاقات که می‌رفتیم، تفاوت

چهره‌اش میان همه زندانیان سیاسی، چهره‌ای متفاوت نبود، چشم‌های باریک و ریز، گونه‌های برجسته و سیل‌های کم پشت و آویزان با این ویژگی‌ها وقتی که سخن می‌گفت به سرعت تشخیص می‌دادی که از کجاست غروب‌های تابستان که بچه‌ها در حیاط زندان دور هم جمع می‌شدند. وقتی که حرف‌ها گل می‌انداخت و توماج هم گرم می‌شد و از ترکمن‌ها

چهره‌ها باز هم آشکارتر بود. آن سوی میله‌ها، آنهایی که برای دیدار شیرمحمد آمده بودند، با چشم‌های آفتاب سوخته و لباسهای ترکمنی، حال و هوای ترکمن صحرا را با خود به دهلیزهای تنگ زندان می‌آوردند.

روزهای توفانی، انسانهایی به سان توفان می‌طلبید، که پسر قدرت بکوبند، با تمام قوا بکوبند و آنگاه بایستند و زندگی نویسن را بسازند، برای زحمتکشان ترکمن توماج، محتوم، واحدی، جرجانی از این فرزندان توفان بودند. شیرمحمد این روزها، با آنچه که در سالهای قبل بود، تفاوت بسیاری داشت، نگاهش عمیق تر، کلماتش زنگ دار تر و حرکاتش آرام تر شده بود، اما تفاوت، پیش از بیرون در درونش وجود داشت. حالانیزویش چندین برابر گذشته شده بود، استعدادهایش گویی یکباره، شکوفان شده بود. وقتی می‌نشست تا برای کار شوراها تصمیم بگیرند، دقیق ترین پیشنهادهای را می‌داد. خواب و خوراک را خیلی وقتها با فزونی کارها از یاد می‌برد. اما چه صفایی داشت وقتی که فقط یک ساعت فرصت میکرد تا روی آن نیمکت چوبی ستادشوراها تن به خواب سپرد، بعد از آن همه تلاش، این آسودن توفان، چه قدر شیرین بود.

اینک آنچه را که این فرزندان پاکباخته خلق سالیان سال اندوخته بودند، به کار می‌گرفتند، در راس این اندوخته‌ها، شناخت، احترام و اعتمادی بود که نسبت به مردمشان داشتند. از آنجا که سالیان

سال در میان آنها ریخته بودند، همواره می‌گفتند که باید از آنسان آموخت، شوراها، دهقانی از جمله این آموزش‌ها بود، نخستین شوراها با ابتکار مردم برپا شده بود و بعد تر "ستادشوراها" به تعمیم و تکاملش پرداخته بود. شیرلی، حکیم، طواق حسین از برجسته‌ترین رهبران "ستادشوراها" بودند که هر ابتکار مردمی دیگری را نیز با دقت بررسی می‌کردند، با صاحبان ابتکار روبه گفتگو می‌نشست و آنها را به کار می‌گرفتند. شنونده خوب بودن نیز هنری شگرف است که شیرمحمد به خوبی از عهده اش برمی‌آمد. فروتنی اش باعث می‌شد که حتی نوجوانان محصلی هم که به نزدش می‌آمدند، با کمال راحتی آنچه را که می‌خواهند به او بگویند. چهره آرام و دوست داشتنی حکیم که طوفان درون او را می‌پوشاند، منطق قوی و هجیب و آزاد منشی طواق و جست و جوی لاکسی حسین که روزانه برای دهها شورا جلسه می‌گذاشت، آنها را راهنمایی می‌کرد همه را تحت تاثیر قرار داده بود. وبی گمان آنچه را که از این دل عاشق برآمد، به سرعت در دلها نفوذ می‌کرد.

راستی هیچ کس به قدرت شیرلی نمی‌توانست برای دهقانان ترکمن تبلیغ کند. این قدرت کلام، از ایمانی دریا وار برمی‌خاست هر جا که کار می‌خواست آغاز شود، و یا اگر به گزهی برمی‌خورد، شیرمحمد حاضر بود. با جملاتی ساده، پسر حرارت و کوتاه سخن می‌گفت و چه تماشایی بود این لحظه‌ها، گویی

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

همه نیروهای درون با واسطه کلمات به دیگران منتقل می شود. ایمن ایمان وقتی مقابل زمینداران قرار می گرفت، آنها را نیز به شیوه ای دیگر میخکوب می کرد. وقتی درخانه آن زمیندار ترکمن نشسته بودیم، با اشاره به قالیها و انبوه وسایل خانه اش می گفت: "سالیهای سال ازدسترنج این مردم خورده ای و چاق شده ای. حالا باید حساب پس بدهی و در درجه اول، زمینهایی را که به ناحق از آنها گرفته ای." آن کس که در مقابلش نشسته بود، از ترس آنکه به این چشم ها نگاه کند، سرش را به زیر انداخته بود، و مرتب می گفت: "درست است، درست است." وقتی که موفق، از آنجا بیرون آمدیم با خنده می گفت: این است کس که می گویند، انقلاب یعنی جشن توده ها.

کاربرایش، شب، نیمه شب، دمدای صبح و ظهر داغ نمی شناخت. هر آن لحظه که کار بود، بایستد می رفت، پیچیده ترین گره ها، تنها به دست او بازمی شد. این جثه کوچک چه انرژی را درون خود نهفته داشت. باکی نیست، کار هنوز در پیش است، بگذار شیرلی کمی تر بخوابد، بعدها، باز هم خواب بیدامی شود.

پادشاه اینها همه، اعتماد عمیقی بود که مردمش به او داشتند، نه فقط زحمتکشان روستا، کسب مردم شهر از معلم، دانشجو، دانش آموز، پزشک و کارمند نیز در چهره او بارهبری قابل اتکاء را یافته بودند.

آن روز که نمایندگان شهرها، درسرا سرترکمن صحرا گرد آمدند

بودند، جشن توده ها را به چشم می دیدی. چهره های آفتاب سوخته با پشتی که از رنج سالیان خم شده بود. اینک سرفراز نشستگی بودند، تا خودشان تصمیم بگیرند که امسال، محصول را چگونه درو کنند. چگونه تقسیم نمایند. آخرین سخنران کنگره، نماینده ستاد شوراها، شیرمحمد درخشنده توماج بود، وقتی که نامش را خواندند، صدای کف زدن دستهایی که از سالها کار قاچ قاچ شده بود، مدت ها سالن را می لرزاند.

آی که اگر این بندگان سالهای سال در این پاها نبود، چه دنیایی می ساختیم.

* * *

هجوم و حمله، گرازها ریخته اندوبه قصدنا بودی می گویند در شهر، حتی سلاح سنگین هم به میدان آورده اند، دسته دسته دهقانان را به زندانها می کشانند. حرامیان سخت خشمگیند و کینه توزانه به انتقام آمده اند، آنچه که این چنین به زوزه های دیوانه واروا داشته است، جرات دهقانهاست، برای آنکه خودشان آقای خودشان باشند. این "جسارت" رانمی توان بخشید، خطرناک است. ممکن است به جاهای دیگر هم سرایت کند. پس خاموش کنید، آن صدایی را که می گوید "زمین مال کسانی است که روی آن کار می کنند". نیمه شب گذشته رهبران ستاد شوراها "توماج، مختوم، واحدی و جرجانی را زنده و به گروگان برده اند؛ با اینها جای گفتگو نیست. جای بحث نیست.

جای بازجویی نیست، آنها فرمانده آن "گستاخ" هایی هستند که جرات کرده اند شوراها را بسازند. فقط باید از آنها انتقام کشید. فقط باید آنها را کوبید، حزامان کف بردها ن آورده اند، از چشمهایشان آتش دوزخ بیرون می ریزد، بسوی خونی که از بینی و چهره ها جاری است، دیوانه شان کرده است. خون می خواهد زیاد. دندان که بر هم می ساینند، بخاردها ن گرگ برمی خیزد. منتظر فرمانند تا که اینها را پاره پاره کنند.

در آن میانه، این ۴ نفر استوار ایستاده اند، نگاههای ملامت - گرشان گرازها را غضبناک ترمی کند. انگار با چشمهایشان می گویند: " بگوید اسالهاست که این چنین می گوید. انده های میان دیگر خوب پهن شده است. اما این بار خوب دیدید که به کجایتان رسانیدیم. خوب تماشا کردید که ایستادیم، گرفتیم، کاشتیم و برداشتیم و گفتیم که باج نمی دهیم. درست از همین است که سخت هراسیده اید. این باردیگر لشگری چیزان، با سلاح های ناکافی به عصیان یکباره برنخاسته است. که تا به یکباره به خونشان بکشید. این بار نهالی را کاشته اند که از جای کنندش کارشمان نیست. توماج، مختوم واحدی و جرجانی راهم به همیمن "جرم" به گروگان گرفته اید.

حکم مختوم می گوید: من خود از میان محرومان روستایم، چون من هزارها فرزند دلیر دارد این خلق، من را از اعدام باکی نیست. من بذرها را کاشته ام.

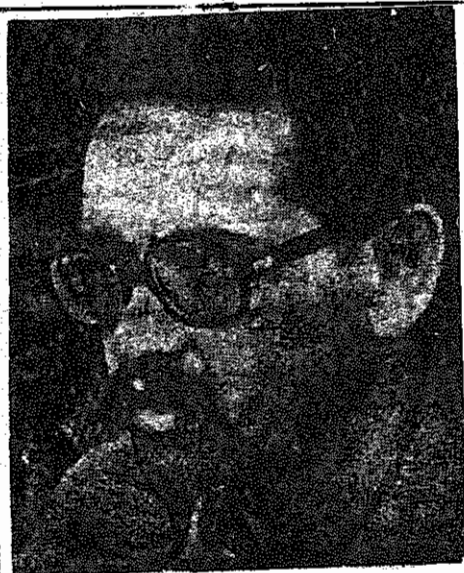
واحدی، با سیمای شریف و محبوب خود فریاد برمی آورد، دژ -

خیمان، او باشها فرزندان ما انتقام خونمان را خواهند ستانند شما با خلقی سلحشور و تسلیم ناپذیر مواجهید.

حسین جرجانی، سازماننده شوراها، منطقه تاتار، می گوید شوراها، شوراها، ترکمن صحرا نابود شدند نیستند. دهقانان ترکمن صحرا جنازه متعفن شما را بگور خواهند سپرد.

طاقت تمام، باید کارشان را ساخت. کوتوله هیولا فرمان مرگ را صادر کرده است. گروگانها هم می فهمند که کار تمام است، چشمها دارند به همه پیرامون می چرخند. دارند با همه چیز خدا حافظی می کنند، قهرمانان ترکمن صحرا، اینک مثل شیزی که برای کشتارشان می برند، غرش می کنند، اما در درونشان از آزارش انگار صدای چشمه ای کوهستانی می آید. دارند به همه سالهایی که گذشته است، فکر می کنند. شب و روزهایی که دریگانگی تمام با آنچه راکه می اندیشیده اند، گذرانده اند. سالیانی که با رضایت خاطر، همواره در تلاش بوده اند، " شیر محمد را می زنند. رهبران ستاد شوراها را می زنند. ولی همه ترکمن ها راکه نمی توانند کشتار کنند. وقتی که آنها هستند کار هم هست، هزاران شیرلی و حکیم، طواق و حسین، در این روزها تربیت می شوند. آنهایی که مسن دیده ام، دیگر بند را به پاهایشان تحمل نمی کنند. پس اکنون گوکه ببارند گلوله ها. اکنون وظیفه این است. گلوله را به جان تحمل کردن.

گلوله ها، پرتان بر جانشان بقیه در صفحه ۴۹



توماج قهرمان ملی خلق ترکمن

آماج تیرهای
فراوان شد
توماج

آری
 آماج تیرهای فراوان شدند
 ززمندگان خلق
 درموسم ترانه‌وگل چیدن
 درروزهای فصل شکفتن
 درلحظه‌ای که جنبش "شوراها"
 می رفت تا حماسه مردم را
 پربارترکنند
 وقتی سرودسرخ فدایی
 باجان جرجانی ومختوم
 با هستی مبارک توماج ،
 با طواق
 پیوندعاشقانه‌ای می بندد
 برآسمان آبی گنبد

نامی بزرگ می گذرد ، از عشق
نام عزیز "شورا"

قلب جوان دشت
با سرنوشت روشن و خونینش -
می داند
بی نام عاشقان وطن ، این باره
گندم نمی تواند
راه بلند و سرخ شکفتن را -
طی کند

"تایماز" !

اسطوره شهادت توماج
از مرزبایستانی تاریخ گذشت
بر مادرت ، عروس عروسان ، برخوان
آواز روسفیدی گندم را

آری
آماج تیرهای فراوان شد
توماج

"رضا مقصدی"

*** - "تایماز" نام پسر توماج

شورا، تبلور اراده

دهقانان ترکمن صحرا

با پیروزی انقلاب، خلق ترکمن که سالیان دراز تحت ستم دوگانگانه طبقاتی و ملی بود، همانند دیگر خلقهای ایران در جهت تحقق آماج های اساسی انقلاب مبارزه عادلانه خود را تداوم بخشید. در منطقه ترکمن صحرا مبارزه ای حادث تعیین کننده برای احقاق حقوق پایمال شده خلق آغاز گشت. روستاهای ترکمن صحرا مهمترین عرصه این مبارزه بود. دهقانان زحمتکش روستاها با اتحاد و مبارزه خود اقدام به مصادره زمینهای دیرباز و امیرای ارتش شاهنشاهی و زمینداران بزرگ منطقه نمودند. و شورا های خود را برای اداره آنها ایجاد کردند.

استقبال دهقانان زحمتکش روستاها از شورا های مردمی شان تا آن اندازه بود که تا پاییز سال ۵۸ در حدود ۴۰۰ روستای منطقه شورا تشکیل گردیده بود و هدایت امور صنفی و خواسته های سیاسی دهقانان را بر عهده داشت، و مبارزات آنان را علیه بسزرگ مالکان رهبری می کرد.

بدین ترتیب شوراها در ترکمن صحرا بر بستر مبارزه ای حادث برای حل مستقیم مساله ارضی و اداره زمینهای مصادره شده شکل گرفتند. حمایت و استقبال

روستاییان از شوراها بدلیل ضرورت مبارزه متشکل علیه زمینداران بزرگ و عوامل ارتجاع و سابقه کشت جمعی در گذشته نه چندان دور نبود. بعلاوه خواسته های ملی سرکوب شده خلق ترکمن پیوند شوراها و مردم را علییه سرکوبگران مستحکم می ساخت. شوراها از بدو تشکیل انجام وظایف زیرا در مقابل خود قرار دادند:

۱ - حفظ و نگهداری زمینهای غصبی مالکان و سرمایه داران و درباریان و امیرای ارتش شاهنشاهی
۲ - سازماندهی کشت شورایی و دسته جمعی و نظارت بر کاشت و داشت و برداشت محصول.

۳ - پیشبرد مبارزه در جهت کسب حقوق ملی و فرهنگی

۴ - تأمین شرکت مستقیم مردم در اداره امور مربوط به روستاها و کمک به شکل هر چه بیشتر آنان.

۵ - تعمیق آگاهی زحمتکشان و دهقانان نسبت به جریانات و مسایل اجتماعی و سیاسی کشور.

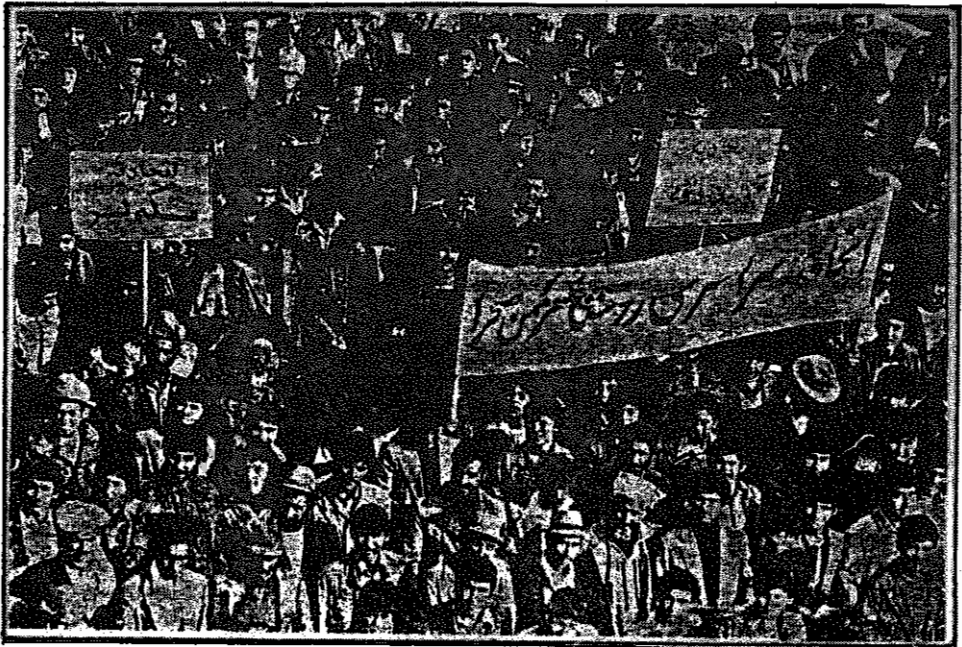
۶ - پیشبرد اقدامات عمرانی در روستاها.

۷ - تأمین مایحتاج عمومی روستاییان و دامداران.

شوراها در روند انجام این وظایف از یک طرف به آنچنان نیروی توده ای تبدیل شدند که حتی پس از سرکوب ددمنشانه خلق ترکمن حاکمیت جمهوری اسلامی برخلاف تمایل خود، در عمل مجبور به پذیرش آنان گردید و در تمام مسایل مربوط به روستاها بالاچاره شوراها مراجعه می کرد. رژیم بمرور که موقعیت خود را در ترکمن صحرا تثبیت کرد، به آزار و اذیت و دستگیری و حتی اعدام

اعضای مبارز شوراها پرداخت .
 بعد از جنگ دوم ، جمهوری
 اسلامی اقدام به دستگیری گسترده
 فعالین روستایی و اعضای مبارز
 شوراها کرد و شوراها را رسماً منحل
 و غیرقانونی اعلام نمود . اما
 حاکمیت نبود که به شوراها قانونیت
 داده بود ، بلکه این دهقانان
 فقیر و زحمتکشان روستایی و شماری

ترین سرکوبها و تضيیقات به مبارزه
 انقلابی خود ادامه دادند و به همراه
 مردم روستاها و با فداکاری
 روشنفکران انقلابی منطقه ، از دستاوردهای خود دفاع نمودند .
 این مقابله و مقاومت پرشور مانعی جدی
 در بازگشت فئودالها به روستاها
 فراهم آورد . شوراها زیر آن همه
 فشار سرکوب ، جلسات اتحادیهها



را برگزار و با زدهمین و دوازدهمین
 کنگره شوراها را در یکی از روستاهای
 منطقه برپا نمودند ، برگزاری این
 کنگره در سخت ترین شرایط
 موفقیت بزرگی برای شوراها بود
 و در عین حال تا توانی جمهوری
 اسلامی و بزرگ مالکان را در سرکوب
 شوراها و مبارزات روستاییان
 به نمایش می گذارد ،
 وقتی که جمهوری اسلامی
 زمینداران بزرگ منطقه درک

بودند که با حمایت گسترده و همه
 جانبه خویش به آن قانونیست
 می بخشیدند و بدلیل حمایت گسترده
 آنها هیچ نیرویی نمی توانست
 خدشهای برقانونیت شوراها وارد نماید .
 جمهوری اسلامی که قصد نابودی
 شوراها و از بین بردن تمام
 دستاوردهای آنها داشته با
 مقاومت و حمایت گسترده روستاییان
 از شوراها مواجه شد ، شوراها بر
 خلاف انتظار حاکمیت ، زیر شدید-

ترکمن صحرا و اتحادیه های دهقانی و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در سرتاسر منطقه در جهت شناساندن حقوق حقه توده های روستایی به آنان انجام داده بود. این انتخابات نشان داد که دهقانان ترکمن صحرا به آگاهی قابل ملاحظه ای دست یافته اند. مجموعه این مبارزات هدفمند و سازمان یافته بود که دهقانان ترکمن صحرا را پیشاپیش مبارزات دهقانان در سراسر کشور قرار داد و تاثیر عمیق در مبارزات دهقانان کشور بخصوص در مناطق همجوار ترکمن صحرا برجای گذاشت. جمهوری اسلامی سالهاست که عاجزانگی می گوید این دستاوردها انقلابی را از دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا بازستاند، رژیم شوراها را که تیلور اراده توده های روستایی هستند، همواره مورد هجوم و توطئه قرار داده است. و برای اولین بار در ترکمن صحرا اعضای شوراها روستایی را کین توزانف اعدام کرده است. اما تمامی این تلاشهای خائنه، با اتحاد و یگانگی روستاییان و با حمایت یکپارچه آنان از شوراها، فرجامی جز شکست نداشته و ندارد. تجربیات مبارزاتی و دستاوردهای دهقانان و شوراها آنچنان عمیق است که جمهوری اسلامی دیگر نمی تواند آب رفته را به جوی بازگرداند.

دهقانان مبارز ترکمن صحرا! هشتمین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن مصداق با هشتمین سالگرد تشکیل شوراها و انقلابی شماست که حاصل مبارزات خونین شما طی سالهای طولانی قبل و بعد از انقلاب علیه بزرگ مالکان و حاکمان آنها بوده

کردند که شوراها عمیق ترین پیوندها را با دهقانان و زحمتکشان شهر و روستا دارند و نمی توانند آنها را به سادگی نابود سازند، همگام با سیاست سرکوب به ترفند مسخ و نفوذ دادن عوامل خودبیه شوراها متوسل شدند. برای تأمین این هدف ضد انقلابی خود در تمام روستاهای منطقه با اصطلاح انتخابات جدیدی برای تغییر ترکیب شوراها و برای بدست آوردن ترکیب دلخواه خود براه انداختند. و با اعلام اینکه اعضای سابق "شوراهای ستادی و کانونی" حق کاندیدا شدن ندارند. به خیال خام خود سعی در مقابل انتخاب عناصر مبارز و روستایی در شوراها ایجاد کردند. اما خود انتخابات شورا در روستاها به عرصه حاد مبارزه طبقاتی مبدل شد. در بسیاری از موارد، دهقانان زحمتکش، زمینداران بزرگ و عوامل ارتجاع برای بدست آوردن ترکیب دلخواه، سعی در نفوذ دادن عوامل خودبیه شوراها را داشتند و در این راه از هیچ توطئه ای رویگردان نبودند. آنها عناصر ناآگاه روستاها را تطمیع تهدید و ارباب می کردند و از روابط فامیلی و مسایل طایفه ای سود می جستند. عناصر مبارز را با توطئه و همدستی رژیم به زندان می انداختند. از طرف دیگر دهقانان زحمتکش روستاها با شناخت از منافع خود سعی در انتخاب نمایندگان واقعی خود داشتند. نتیجه این مبارزه در بسیاری موارد منجر به انتخاب نمایندگان واقعی روستاییان در شوراها شد. این پیروزی نتیجه کار پیگیر و خستگی ناپذیری بود که شوراها و روستایی و ستاد مرکزی شوراها

است، این شوراها با دفاع و حمایت بی دریغ شما مردم مبارز در مقابل توطئه‌های زمینداران بزرگ و حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی تحکیم یافتند و به تجلی آرا ده شما مبدل شدند. این شوراها در روند مبارزه خود به دستا وردهای عظیمی دست یافتند که تا آن مرحله نه تنها در ترکمن صحرا، بلکه در جنبش دهقانی سراسر کشور، بی نظیر بوده است.

اکنون مدت‌هاست رژیم استبدادی جمهوری اسلامی برای پایداری کردن این دستا وردهای انقلابی شما و برای جلوگیری از نفوذ و تاثیر شورا های مردمی و انقلابی شما به سایر نقاط کشور می‌کوشد. شورا های روستایی ترکمن صحرا را از مضمون انقلابی و مردمی تهی سازد. این بیسوس حاکمیت نه فقط شورای یک روستا بلکه تمامی شورا های منطقه ترکمن صحرا را هدف گرفته است. برای خنثی کردن این توطئه‌ها، به گردشوراهای مردمی خود حلقه زنید. اتحادیه‌های دهقانی خود را احیاء کنید. اتحاد و تشکل شما یگانگ عامل پیروزی است. رژیم در مقابل اتحاد رزم جویانه شما زبون است. اعضای مبارز شورا های دهقانی ترکمن صحرا! شما بیا نگر آمال و آرزوهای دهقانان و زحمتکشان ترکمن

صحرا و تجلی قدرت و اراده آنان علیه بزرگ مالکان و گلان سرمایه داران و رژیم ارتجاعی حاکم هستید. شما اکنون در این مرحله حساس از جنبش دهقانی و ملی در ترکمن صحرا، نقش بس مهمی بر دوش دارید. شما رسالت خویش را فقط در نتیجه پایبندی به منافع زحمتکشان روستایی و با تکیه بر حمایت گسترده آنان می‌توانید انجام دهید. برای پیشبرد انقلابی و مسئولانه وظایف خویش روستاییان را بدور خود متشکل سازید، مانع از بازگشت بزرگ مالکان به روستاها شوید به تشکل روستاییان در سازمانهای صنفی خاص خود، مثل تعاونیهای دامداران روستایی تعاونیهای مصرف، تعاونیهای قالبیافان، تشکلهای ورزشی و... کمک کنید آنان را در جریان منظم وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور و منطقه، مشکلات و مسایل کارگران و دهقانان سایر نقاط کشور اخبار مربوط به جنگ خانمانسوز رژیمهای ایران و عراق قرار دهید و در جهت رشد و تعمیق آگاهی سیاسی روستاییان زحمتکش بکوشید!

برای تصفیه شوراها از عناصر رژیم جمهوری اسلامی و عوامل زمینداران بزرگ، آنان را در بین مردم افشاء سازید و از این طریق در جهت حفظ و پایداری شورا های روستایی بکوشید! ★

چهلین سالگرد تأسیس حکومت خودمختار کردستان

دهقانان گامهای ارزشمندی به پیش برداشت. دهقانان با حقوق خویش آشنائی یافتند و متحدان علیه تحمیلات فئودالها مبارزه می کردند. تشکلهای صنوف ایجاد شد، و در جهت خواستههای آنان و تامین نیازها و رفع مشکلاتشان به فعالیت پرداخت جوانان و زنان مبارز کرد در تشکلهای خویش سازمان یافتند و در جهت رشد آگاهی جوانان و زنان قداماتی چشمگیر انجام دادند.

در طی یکسال حکومت ملی و خودمختار کردستان خلق کرد در جهت اعتلا فرهنگ ملی و هنر مردمی خویش گامهای بزرگی به پیش برداشت. مجله های گوناگونی به زبان کردی و فارسی انتشار یافت، تئاتر و هنر مردمی پایه گذاری شد، تلاشهای فراوانی در جهت احیای فلکلور خلق کرد صورت پذیرفت. کتب و نشریات مختلفی به زبان کردی نگارش یافته و ترجمه گردید و این همه سبب شد تا جوانان و مردم کردستان با فرهنگ خویش بیش از پیش آشنائی یابند و در جهت اعتلا همه جانبه آن بکوشند رژیم ضد خلقی شاه با همدستی امپریالیستها که آزادی خلقهای ایران را بزرگترین خطر در جهت برانداختن سلطه و نفوذ خود بود و ایادیشان نمی دانستند، پس از حدود یکسال جنبش ملی خلق کرد در راه خون

چهل سال پیش در دوم بهمن ماه (۲۲ بهمن) حکومت ملی و خودمختار کردستان، پس از مبارزات طولانی و قهرمانانه خلق کرد، در مهلباد تا سیس گردید، شهید قاضی محمد رهبر آزاده خلق کرد دنیا نگذاشت و حکومت خودمختار کردستان بود که بهمراه همزمان انقلابی و مترقی خویش و به یاری مردم سلحشور کردستان آرزوی دیرینه خلق قهرمان کرد را به عمل در آورد.

حکومت خودمختار کردستان طی نزدیک به یکسال موجودیت خویش گامهای ارزشمند و بی نظیری در جهت رشد و شکوفائی فرهنگ و هنر ملی و مردمی خلق کرد به پیش برداشت و یک شبه ره صدساله پیمود. طی این مدت کوتاه، مدارس به زبان کردی تا سیس گردید و زبان کردی به زبان رسمی در منطقه بدل شد و نونهالان کردستان با فرهنگ ملی و زبان مادری خویش به آموزش و تحصیل پرداختند و رشد یافته شدند.

دهقانان زحمتکش و محاسروم کردستان با اقدامات مردمی حکومت خودمختار از محرومیت های فراوانی رهایی یافتند، بهره مالکانه تقلیل چشم گیریافت و بیگاری و سایر اجافات به دهقانان آرمیسان برداشته شد. اتحادیه های دهقانی تا سیس گردید و در جهت تامین خواستههای

کشیدند و حکومت خود مختار کردستان
و خلق کرد را وحشیانه سرکوب کردند .
اما مبارزه آدامه یافت .

مردم کردستان طی سالها مبارزه
هیچگاه دست ارجواست برحق خویش
یعنی " خود مختاری کردستان و آزادی
ایران " برنداشته و همواره علیرغم
نشیب و فرازهای گوناگون مبارزات
خویش را پی گرفتند .

تجربیات گرانقدر جنبش ملی خلق
کرد و حکومت خود مختار کردستان در
سالهای بعد راهنمای عمل و مبارزه
مردم آن منطقه گردید .

خلق کرد پس از انقلاب بزرگ
بهمن ماه برای تحقق آرمانهای
خویش بحرکت درآمد و خواستههای
خود را مطرح ساخت . احکام رژیم
جمهوری اسلامی از همان آغاز به
مقابله با خود مختاری کردستان
برخاستند و کین توزانه مطالبات
خلق کرد را سرکوب کردند . رژیم
جنايتکار خمینی دشتهای کردستان
قهرمان را از خون فرزندان دلیر
و مبارز خلق کرد رنگین ساخت و این
منطقه را به پادگان نظامی تبدیل
کرد . کوهها و دشتهای خونریز
کردستان به پایگاههای رژیم مبدل
گردید و هرکوی و برزن زیر مراقبت
پاسداران ارتجاع و لشکریان
ارتش قرار گرفت . خلق قهرمان
کرد تحت رهبری نیروهای ملی
و مردمی خویش علیرغم جنایات
بی شمار رژیم جمهوری اسلامی به
مبارزه خود آدامه داد و کردستان را
به سنگری علیه رژیم ارتجاعی
جمهوری اسلامی و برای آزادی و
خود مختاری خویش مبدل ساخت .

مقاومت عادلانه و مبارزه پسر
شور خلق قهرمان کرد در راه کسب
خود مختاری و آزادی خویش ، امروز
الهام بخش خلقهای میهن ماست
که در زیر فشار رژیم ارتجاعی و
استبدادی حاکم از ابتدا فیترین
حقوق ملی خویش محرومند و در پناه
رژیم خمینی بزرگ مالکشان و
کلان سرمایه داران برهست نیست
زحمتکشان آنها تسلط دارند . خلقهای
محروم و در بند میهن ما امروز اعتقاد
راسخ دارند که راه آزادی آنها از دست
ملی و طبقاتی ، اتحاد و یگانگی
آنها و مبارزه مشترک و هماهنگ
آنها علیه ظلم و جور رژیم مستبد
حاکم بر میهن رنج کشیده ماست .

بدون آزادی خلق در بند ایران
از چنگال حکام خون آشام جمهوری
اسلامی ، بدون محو سلطه امپریالیستها
در زمینه اقتصادی ، فرهنگی و
نظامی از میهنمان و مبارزه علیه
سیاستهای ضد ملی رژیم حاکم ،
خلقهای ایران خود مختاری خویش
و حقوق ملی پایمال شده خود را با ز
نخواهند یافت . مبارزه متحد
کارگران ، دهقانان ، زحمتکشان
و خلقهای در بند میهن ما علیه
ارتجاع و امپریالیسم ضامن آزادی
خلق ایران و تأمین خواستههای ملی
خلقهای محروم میهن ماست . کانون
فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ، چهلمین
سالگرد تشکیل حکومت ملی و خود مختار
کردستان را به خلق مبارز کرد و همه
نیروهای مبارز ملی و مردمی
کردستان ، بخصوص حزب دمکرات
کردستان ایران تبریک می گوید و

بقیه در صفحه ۲۹

مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر کشور

اعدام جنایتکارانهٔ دو تن از کادرهای رهبری حزب دموکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران، اعلام داشت که مبارزان انقلابی کمال دباغی، عضو کمیته مرکزی و طه حق طلب عضو مشاور کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، توسط رژیم خمینی در کرمانشاه و تهران، ناجوانمردانه به جوخه اعدام سپرده شدند.

رژیم جمهوری اسلامی که علیرغم مبارزان و گلوله باران مردم کردستان، استقرار چندین لشکر مجهزه توپ و تانک و ایجاد صدها پایگاه در نقاط مختلف آن منطقه، نتوانسته است در اراده خلق کرد در راه مبارزه عادلانه خویش، خللی ایجاد کند. کین - توزانه اعضای و کادرهای نیروهای ملی و مردمی خلق کرد را به جوخه اعدام می سپارد.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، اعدام ناجوانمردانه کادرهای مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران را قویا محکوم می کند و به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان، کادرها و اعضای آن حزب، همچنین به خلق قهرمان کرد فقدان شهدای مبارزان کمال دباغی و طه حق طلب را تسلیم می گوید.

"کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن"

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ايل گويجي، سيل گويجي

تورکمن صحرا ننگ شېرو اوباز حمتکش لری!

اۋوريلدينگيزو "اۋقوگرهک، خط
گرهک - تورکمنچه مکتب گرهک -
الدين گيدن يزلری، غايتارغېو
آلماق گرهک" ديهن شعبار
آستىندا، اۋتونگ گۈيچينه گۈيچ
غۇشدىنگىز.

سىز گۈرۈلۈپ اشيدىلمدىك
آغزى بىرلىك بىلن قهرمانلارچا
سۈۋە شىب، اۋران اولى ايشلار
بىتىردىنگىز. اۋزىنگىزىنىڭ
عاقىللىق - پاىخاسلىق و انقلابى
پىرىنلارنىڭ يۈل باشچىلىقى
لدىكى بىلن، بۈتىن ايرىران
زحمتكش لرى نىڭ مقدس آرزولارى
نىڭ غاملاشماغى اوغروندا اولى
همدە آيغىقلى اديملار اۋزىدىنگىز.
انقلابىنىڭ اۋنگى سىراسىندا ن
باشلاپ، الدن گيدن بىرلىرى
نگىزى حالقونىڭ بىرلىشىش
گۈيچىدىن زاهرەسى يارىتىلان
فئودال لارنىڭ ايلىدىن غايتارغېو
آلماغاباشلادىنگىز و عضلار بۇيى
آدام سانسىغا غوشولما دىق زحمتكش
تاىخانلاردان سچىپ اۋباشورا -
لارنى دىكلىدىنگىز. شورالارنىڭ
سانى نىڭ بارها ارتماغىسى
بىلن، اۋلارنىڭ ايشلار بىلەن
دۈزگۈن - تىرتىپ بىلن اۋنگى
اگىتىمك همدە فئودال لارنىڭ
بىلەكى حالق دوشمانلارى

بىر آتا - بابالارى نىڭ
ايل گۈيچى، سيل گۈيچى ديهن
دانا سوزلرى نىڭ اۋران دۇغىرى
ديغىنا مېرپان واطنقىرىنىڭ
باشدان كچىرن غىسغا، اما
غۇوغالى دۋورىنىدە دۋولى گۈز
يتىردىك. آمريكا امپىريالىزمى
نىڭ دىكمە نوكرى بۇلان جىنايتكار
پهلوى حكومتى نىڭ اوزاق پىش -
لار دۇام ادن ظلمىنى چكىپ چىقرا -
بىلمدىك حالق بارقاھار - غاضابى
بىلن بۈتىن لى آياغاقالىدى
كۈچلەرە سىغمان اگىرت سىل
بۇلۇپ آقان مىليون - مىليون
جماعت عضلار بۇيى يۈرەكلرىندە
برچ بولۇپ غالان كىنەلرىنى
يومروقلارنىدا يىغناپ، دورموشى
بىلن يانق دوران اۋدا اۋورلۇلار
اۋلار" يۇق بۇلسون خاشن شاه -
جىنايتكار آمريكا" ديهن شعبار
بىلن ظالم لارنىڭ كۈشكىنىسى
باشلار ئىنا يوموردىلار، اينە شۇل
شانلى گۈنلردە بىز بىرلش ايل
گۈيچى نىڭ سيل گۈيچىنىڭ
اۋورىلىا ندىگىنى گۈزىمىز بىلن
گۈردىك.

سىز تۈركمن صحرا نىڭ
زاحمتكش لرى هم شىلە غا جايىتىپ
وغووانچلى فرصت لاردا شۇل
اگىرت سىلنىڭ بىر بۇلەگىنىڭ

آدام سانغا غۇشما جاق بۇلسوب
 كمسیدن غانخورفئودال لاری دیزا
 چوكردينگیزببیک شاهیرهم
 عاقلدارهممزمختومقلى نغنگ :
 "ظالم لارخواربولارغا لارا آقا
 قدا - غاریب سن آغلاما شیرتک بۇلارسن"
 دیهن دۇردانه سۇزلیرى نیننگ
 حاققا تا اۇوریلیپ بیلجکدیگینه

نغنگ هرچیلی توطئه لری نینگ
 اۇنگونه گچمک ما قصادی بیلن
 تۇركمنصحرانغنگ شورالاری نغنگ
 مرکزی ستادی دۇره دیلری . شۇل
 عا جاییب وقووانچلی دۇویرده سیز-
 ینگ قهرمان پرزندلری نگیز ،
 ستادی دۇلاندغرماق اۇچین گیجه -
 گۇندیزیا تمان جان چکدیلسر .



دۇلی گۇزیتیردینگیز ، سیز
 اۇزینگیزینگ بیتیرن شواولسی
 ایشینگیزبیلن مهربان واطانئمیز
 نغنگ میلیونلارچا تایخانلارغنا
 گۇرلدە بۇلۇپ اۇنگده حرکیت
 اتدینگیز .
 ینه بیرطراپدان سیزینگ
 دۇشونجەلی وانقلابی پرزندلری
 نگیز ، بۇتین حالقی مژئنگ
 "اوقوگرهک ، خا طگرهک - تۇر -
 کمنجە مکتبگرهک" دیسه ن
 شعارینی عامالا آشئرماق اوغرو-
 ندا ، " تۇرکمەن حالقی نغنگ فر -
 هنگی و سیاسی کانونی " آدئندا قی

ستادسۇزی هر بیر زحمتکشن تایخانغنگ
 یۇره گینه کۆک اوروپا ینگ
 سۇیگی لی آدا اۇوریلدی .
 تۇركمنصحرانغنگ یۇزلرچە شورالاری
 نغنگ وکیل لری ستادئنگ چاقئغنی
 بیلن گنیدشهرینیه کلیپ دارلی
 یغناقلار گچیریا ردیلر و آلئپ
 باریان مقدس ایشلری باراداپیکیر
 آلئشئپ ، یتیلن نتیجه لری
 بۇلسا ، بۇتین اۇبا آدامرلار
 فنا یتیریار دیلر .
 شیلە لیک بیلن سیزا اۇزینگیز -
 ینگ بیرلشن گۇچینگیزه دایانق
 عمر بویى سیزه آغالق ادن ، سیزی

مركزى ، يۇلاغۇيدى ، كانىئون
 زىمىتىش لىرىنگ آنگ - پىگىرىنى
 آچماقدا ، ھەمدە خالىق مۇزىقىنىڭ
 عىرلار بۇيى آرزو ادىپ گلىيان
 مىلى - فرەنگى ايسىلگ لىرىنىسى
 قىتاعات - لاندىرماقدا اۇران اولى
 ايشلر بىتيردى . كانونىنىڭ "ايل
 گۇيى" آدىنىدا چىقارغان نىشە
 سى نەدە خالىقنىڭ مادى وروچى
 ايسىلگ - آرزولارى شەلەلىنىپ
 وحالىق آراسىنىدا ياپراتتىغان
 اعلامىيە لارنىدا بۇلسا ، فقودال
 لارنىڭ واولى سرما يادارلارنىڭ
 آرقا سىنى آليان ارتجاعىسى
 حكومتىنىڭ زىمىتىش لىرىنىڭ ترسىنى
 آلىپ بارغان غلىط سىياسەتنىسى
 وادىيان توطقىلىرىنى ، ايسىزى
 كىدرلى پاشا ادىلىپاردى
 اما بىلە باغدايى خالىق قا -
 نىنى سۇرماغاندىكى ادىن اولى
 سرما يادارلارنىڭ قىتاداتىن لارواۋ -
 لارنىڭ تەبىئىيىنى غۇرايان وانقلا
 باخىانتادىن ارتجاعى حكومت
 چىكىپ چىقما بىلمەدىلەر ، اۇلار ھىچىلى
 توطقىلىرىدۇرە دىپ ، عادالات سۇيىچى
 تۇركىمىن خالىق نىڭ اۇستۇنىگە
 ايكى اوروش يۇكلەدىلەر ، خالىقنىڭ
 اۇنلارچا قۇچ بىگىتلىرى ، اۇزلىرى
 نىڭ شورا لارىنى وائونىڭ مركزى
 بۇلان ستادى ھەمدە كانونى غۇرا -
 ماق اوغروندا قەھرىمانلارچا قىرمان
 بۇلدىلار ، اۇزدۇورى نىڭ گۇر -
 اۇغلىسى شىر محمد درخىندە توماچ

وائونىڭ قەھرىمان يولداش لارى
 واحدى مختوم وجرچانى بۇلسا
 جنايتكارخىمىنى نىڭ بوپروغى
 بۇيونچا اسلامى رۇمىنگ جلا لارى
 نىڭ الى بىلن شەھىدا دىلىدى
 اۇنلارچا سۇوشىڭ ومترقى بىگىت -
 لىر ، اۇباشورالارى نىڭ عضولارى ،
 يىگىرنىچى اسلامى جەھورىسى -
 نىڭ طا راپىئىدان توتولىدى
 آتلىدى ، تەبىئەت دىلىدى يا -
 دا اۇزىوردىنن وائل گۇنىندىن
 جىدا دۇشۇپ ، آوارا بۇلدىلار .
 اما قەھرىمان تۇركىمىن خالىقى
 واطا نىمىتىش بىلەكى خالىقلارى
 بىلن بىلە لىكەدە ، مىليون لارچا
 ايشچى لىر ، تاخا نلاروبۇتىن -
 زىمىتىش لىرى بىلن بىر خا طاردا ، ال -
 الە بىرىپ اۇزى نىڭ عاد الاتلى
 گۇرە شىنى دوام اتدىرر . بىرلىش
 ايل گۇيىنىنە - دە سىل گۇيىنە
 اۇورىلىپ ، خىمىنى نىڭ ارتجاعى
 وچنا يتكار حكومتىنى ھە يوق ادر .
 زىمىتىش لىرا اۇز شورا لارىنى خالص
 بىركىراگ ، ستادىنى وكا تونىنى
 خالص داباراللىق دىكىلدىلەر .

يا شاسىن خالىقلارنىڭ ھەممە
 زىمىتىش لىرىنىڭ بۇزولما زانغىزى
 بىرلىگى
 يۇق بۇلسون خىمىنى نىڭ
 ارتجاعى وچنا يتكار رىزىمى .



بىرلىشمەك چاللىشماق اوستونىڭ قازانماق

هفتمین سالگرد هجوم رژیم به

بندر ترکمن

کردند که شورای انقلاب جمهوری اسلامی با خواسته‌های انقلابی، کارگران و زحمتکشان کشور بیگانه‌هاست. پس از انعکاس خبر تظاهرات گسترده مردم بندر ترکمن، مرتجعین به تکیه پوافتادند و برای سرکوب مردم حق طلب بندر ترکمن و روستاهای اطراف آن، در روز نوزدهم اسفند دهها کامیون از نیروهای مسلح ارتش از شهرهای ساری، گرگان، کردکوی و... به منطقه اعزام داشتند و با همکاری اوباش عضو "کمیته انقلاب اسلامی" سراسر شب به تیراندازی و ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر و آزار و اذیت و ضرب و جرح مردم پرداختند و روزیستم اسفند جمهوری اسلامی برای شمر بخش ترک کردن اقدامات ضد مردمی خود با اعزام فانتوم به فضای شهرها و روستاهای منطقه و شکستن دیوار صوتی مذبح‌خانه کوشید تا مردم ترکمن صحرا را مرعوب سازد. و از مبارزه علیه بزرگ مالکان و حاکمان آنها بازدارد.

برخلاف انتظار جمهوری اسلامی، این حملات جنایتکارانه تنها خللی در اراده مردم بندر ترکمن و سایر شهرها و روستاهای ترکمن صحرا ایجاد نکرد، بلکه عزم آنها را برای مبارزه در راه کسب حقوق ملی پایمال شده خویش و برچیدن بساط بزرگ مالکان از منطقه استوارتر گردانید. مبارزه گسترده

نوزدهم اسفند ماه سال ۱۳۵۷، در پی تظاهرات گسترده و بی سابقه مردم "بندر ترکمن" که به دعوت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن (بندر ترکمن) برگزار گردیده بود. اوباشان مسلح بنام "کمیته انقلاب اسلامی" به مردم حمله ور شدند و ۱۳ تن از اهالی بندر ترکمن را مجروح کردند.

حمله جنایتکارانه رژیم به مردم بی دفاع بندر ترکمن در واقع بدلیل راهپیمایی و مبارزه مردم این شهر و روستاهای اطراف آن بود که در روز هجدهم اسفند برپا گردید و در آن خواسته‌های خلق ترکمن مطرح گردید و یکبار دیگر مورد تاکید قرار گرفته بود.

در قطعنامه این تظاهرات گسترده که دهها هزار نفر از مردم منطقه در آن شرکت داشتند، رفع ستم ملی و فرهنگی از خلق ترکمن آموزش کودکان در مدارس ابتدایی به زبان مادری خود، فراهم نمودن امکانات لازم جهت اعتلاء فرهنگ ملی خلق ترکمن، همچنین شناسایی حدود جغرافیایی ترکمن صحرا و اعلام آن بعنوان یک استان مستقل از مازنداران مورد تاکید قرار گرفت.

راهپیمایان همچنین خواهان شرکت نمایندگان واقع زحمتکشان در شورای انقلاب بودند و تاکید

علیرغم همه ددمنشی های رژیم
همچنان به رزم خود ادامه میدهد*

مبارزه دهقانان ...

باعث آزار و اذیت روستاییان
می گردند و برای جلوگیری از حرکت
اعتراضی دهقانان جورعب و وحشت
ایجاد می نمایند. علیرغم همه اینها
دهقانان مبارز و ستم دیده ترکمن
صحرا که تجربه عظیم مبارزه متحد
و متشکل بر علیه زمینداران بزرگ
و نیروهای مترجع حامی آنان
را با خود دارند از دستاوردهای
ارزشمند انقلاب و مبارزه حقوق-

طلبان، از زمینهایشان
و از شوراهای انقلابی و مبارزانشان
متحد و متشکل دفاع می کنند.
آنها که بمثابه یک دهقان
ایرانی، انسانهایی حق طلب و
مخالف ستم با مبارزات خود به تاریخ
مبارزاتی، خلقهای ایران برگ
زرین دیگری افزوده اند، این بار
هم بخاطر احقاق حقوق حقه خود
مبارزه را ادامه خواهند داد.

مسلمانی پیروزی از آن آنهاست*

گرامی باد دوم بهمن ...

برای مبارزه خلق قهرمانان و
پیشمرگه های سلحشور و فدایا که رکورد
پیروزی آرزومی کند، پیروزی از آن
خلقهاست.

گرامی باد خاطر شهدای قهرمان
جنبش کرد.

جاودان باد خاطر قاضی محمد
بنیانگذار حکومت ملی و مردمی

کردستان*

مردم منطقه و حمایت آنها از
خواستهای مطرح شده توسط اهالی،
بندر ترکمن رژیم جمهوری اسلامی،
را به عقب نشینی واداشت. مردم
نام شهر خویش را تغییر داده و "بندر
ترکمن" نهادند و اداره شهر را با
تشکیل شورای موقت شهر، خود بعهده
گرفتند.

شورای شهر بندر ترکمن، بزودی
به یک نهاد مردمی و فراگیر
مبدل شده و همه امور مردم شهر را
بعهده گرفت و با قدرت و کاردانی
فراوان به حل و فصل مسایلی
مردم و امور شهری پرداخت. شورای
شهر بندر ترکمن که فرزندان انقلابی
خلق ترکمن اداره آن را بعهده
داشتند، هدایت امور مربوط به
ارگانهای انتظامی شهر را نیز
بعهده داشت و با موقعیت کامل
در ایجاد آرامش و آسایش شهروندان
کوشید. شورای شهر بندر ترکمن
همچنین در شرایطی که جمهوری
اسلامی بندر ترکمن و روستاهای
تابع آنرا از نظر مواد غذایی
و سوختی در مضیقه قرار داده بود،
در جهت تامین نیازهای مردم شهر
فعالیتهای ارزشمند انجام داد.

تداوم مبارزه دهقانان
صیادان، دانش آموزان، جوانان
، زنان و روشنفکران خلق ترکمن
طی ۷ سال گذشته علیرغم جنایتهای
بی شمار رژیم جمهوری اسلامی نشان
داد که سرکوب و لشکر کشی و اعمال
فشار و ایجاد جو رعب و ترور قادر
نیست توده ها را از تعقیب خواستهای
عادلانه خود بازدارد. خلق ترکمن

مستحکم باد پیوند زحمتکشان زابلی، بلوچ و ترکمن

از مبارزه معلمان ترکمن صحرا

اکثریت غالب اعضای هیات اجرایی جامعه، از میان افراد مترقی و مبارزی برگزیده شد که از اعتماد و حمایت اکثریت قاطع معلمان و دانش آموزان برخوردار بودند. جامعه معلمان گنبد علی رغم همه مشکلات، در رهبری مبارزات معلمان و دانش آموزان این شهر علیه رژیم منفور پهلوی گامهای موثری برداشت. نخستین اعتصابات مدارس شهر و حومه را به پشتیبانی از جنبش سراسری معلمان کشور سازماندهی نمود. نخستین تحصن موفقیت آمیز فرهنگیان در محوطه آموزش و پرورش گنبد به ابتکار و با مساعدت و تحقق پذیرفت. از جمله اهداف این تحصن که با استقبال وسیع مردمی که در خیابانهای اطراف اداره آموزش و پرورش تجمع نموده بودند، روبرو گردید، عبارت بود از: ۱- برچیده شدن تشکیلات جهنمی ساواک در اداره آموزش و پرورش بود. ۲- خلع رئیس فاسد آموزش و پرورش وقت از مقام خویش و انتخاب فردی صالح و مورد اعتماد معلمان بجای وی. ۳- اعلامیه های جامعه معلمان گنبد، از جمله اعلامیه های مترقی و فراگیری بود که در آن برخلاف تبلیغات بی محتوا و فریبکارانه محافل ارتجاعی، مضمون و اهداف انقلاب برای توده های زحمتکش بازگویی گردید و در حقیقت انعکاس

رستاخیز پرشکوه ملت قهرمان ایران علیه رژیم وابسته و دست نشانده شاه رژیم که میهن کهن و فضیلت پرور ما را به گندابهای فرهنگ فاسد امپریالیستی آلوده بود، هر روز اوج تازه ای می گرفت. در این خیزش عظیم، جنبش سراسری معلمان آگاه و مبارزه همسراه میلیونها دانش آموز پر شور و پیکارجوی خود نقش بسیار بزرگ و ارزنده ای ایفاء می نمود. معلمان و فرهنگیان با تبلیغات افشاگرانه علیه رژیم منفور پهلوی و حامی جنایتکاران امپریالیسم آمریکا، با آگاه ساختن دانش آموزان، با راه اندازی اعتصابات و تظاهرات عظیم دانش آموزی دوشادوش تمامی زحمتکشان میهنمان در انقلاب شرکت جستند.

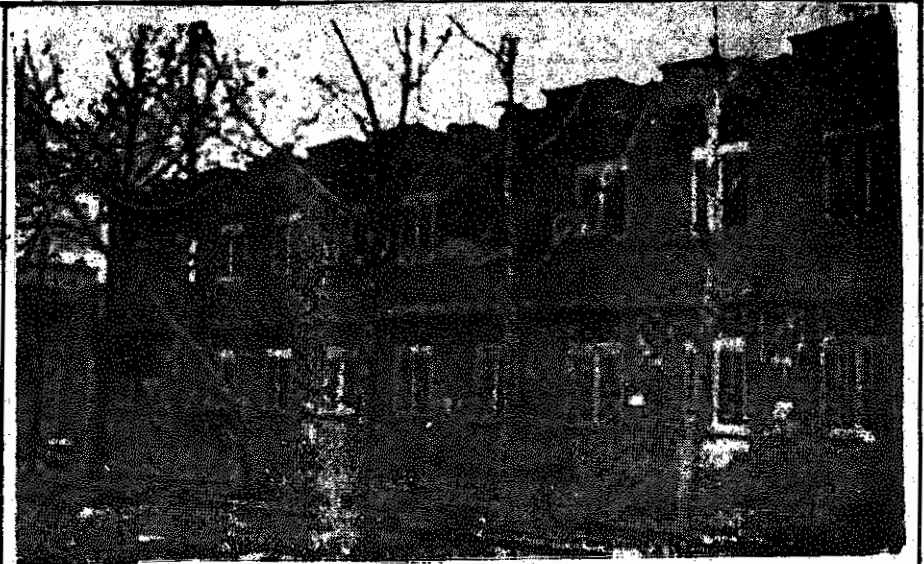
معلمان آگاه و مبارز ترکمن صحرا نیز بمثابه بخشی از نیروهای مترقی میهن به این جنبش پر شکوه و توفنده پیوستند و با احساس ضرورت سازماندهی و هدایت جنبش اوج گیرنده معلمان و دانش آموزان منطقه در جهت ایجاد تشکل مستقل خود حرکت نمودند. با کوششهای پیگیر و شبانه روزی آنها علی رغم برخوردهای مخرب و انحصار طلبانه مثنی مرتجع و فرصت طلب، نخستین گردهمایی معلمان گنبد جهت تأسیس "جامعه معلمان این شهر" برپا گردید.

اوج یابنده دهقانان زحمتکش منطقه، در ترکمن صحرا فضایی دموکراتیک به ارمغان آورد و شکل‌هایی با مضامین جدید ایجاد شد.

شرایط ویژه ترکمن صحرا شکل‌ها و ارگان‌های ویژه خویش را می‌طلبید. خلق رنج‌دیده و تحقیرشده ترکمن در طول سال‌ها در از علاوه بر تحمل ستم اقتصادی با سنگین ستم ملی رانیز برخورد

روشنی از خواسته‌های بزحمت‌زحمتکشان و پینه‌بدستان میهنمان بود. بدین ترتیب جامعه معلمین گنبد بتدریج با کسب پایگاه توده‌های بعنوان مهمترین شکل دموکراتیک موجود در شهر به محورا تحاد روشنفکران و افراد مترقی بدل گردید.

پس از پیروزی انقلاب و آغاز حاکمیت واپسگرایان بسیاری از شکل‌های مردمی از جمله انجمن‌های معلمین که در غلیان واوج -



ساختمان آموزش و پرورش گنبد که برای شرکت‌گروه‌های توپ به ویرانه تبدیل شد

می‌کشید و نیروی لایزال انقلاب می‌بایست بنا زهر دوستم را از دوش خون آلودی بردارد. در راستای تحقق این آرزوی دیرینه خلق ترکمن و همچنین ایجاد تفاهم و برادری میان همه خلق‌های ساکن ترکمن صحرا نیز فرهنگیان آگاه و مبارزانگیزی ایفای بسیار ارزنده و فرورز انگیزی انقلاب نمودند. پس از پیروزی انقلاب

گیری رستاخیر مردم شکل گرفته بود، برچیده شد. اما توده‌های خلق و بویژه زحمتکشان که همچنان در صحنه می‌خروشیدند و مرجعین فریبکاران را برای مقابله با امواج پرتلاطم و کوبنده آنان نبود، در راستای تعمیق انقلاب و تحقق اهداف آن یعنی استقلال آزادی، و عدالت اجتماعی گام‌های موشری برداشتند. جنبش

به همت و کوشش معلمین و فرهنگیان انقلابی منطقه "کانون فرهنگیان ترکمن صحرا" تأسیس گردید. کانون که مورد حمایت پرشور اساتید دانشگاه آزاد گنبدنیگز قرار گرفته بود، فعالیت‌های سازنده و انقلابی خود را در عرصه‌های گوناگون آغاز نمود. مبارزه بخاطر تحقق خواسته‌های برحق فرهنگیان سراسر کشور چون دفاع از حقوق صنفی معلمین و دانش‌آموزان زدودن آثار شوم فرهنگ استعماری حاکم گشتن شرایط دموکراتیک بر محیط‌های آموزشی، انتخابی بودن مسئولین آموزش و پرورش اساس فعالیت کانون را تشکیل می‌داد.

کانون با بسیج فرهنگیان سراسر منطقه، آثار گرانبهای ادبی و فولکلوریک خلق ترکمن را از اقصی نقاط ترکمن صحرا گردآوری نموده، در ارتباط تنگاتنگ و سازنده با کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در جهت احیاء فرهنگ و ادب این خلق ستمدیده و همچنین آموزش زبان و گرامر ترکمنی گام‌های شایانی برداشت. کانون با تشکیل کلاسهای کنکور رایگان در دبیرستان کمینه‌گنبد در هموار نمودن راه کسب دانش و فضیلت برای جوانان منطقه خدمات قابل ستایشی ارائه داد. با فراخوان کانون اساتید و معلمین دانشمند و انقلابی منطقه، با خلاقیت و ایثارگری کم نظیر و زحمات شبانه روزی خودشان، با حداقل امکانات بهترین شیوه‌های آموزشی را ارائه نمودند. نتیجه این تلاش‌های بی‌شائبه و دایه‌طلبانه دارای چنان جذبهای بود که جوانان پرشور و تشنه آموختن

را بتدریج از پشت میزهای پسر - سابقه‌ترین کلاسهای کنکور چون خوارزمی و آذربایجان کلاسها کشاند. دیری نگذشت که علیرغم فضای پرتشنج و بحرانی حاکم بر منطقه که توسط عوامل زمینداران بزرگ و کلان سرمایه‌داران ایجاد گردیده و پیوسته از سوی آنان دامن زده می‌شد، صدها تن از فرزندان زحمتکشان فارس، آذری، زابلی و ترکمن با مراجعه به کانون در این کلاسها ثبت نام نمودند. آنان در کمال تفاهم و باشور و اشتیاق زاید الوصفی از معلمین محبوب و ایثارگر خود کسب دانش می‌کردند. دبیرستان کمینه در آن روزها، هم‌کانون دانش‌اندوزی بود و هم فضای آزاد برای برخورد و صیقل‌یابی اندیشه‌ها.

مرتجعین تنگ نظر از مشاهده این منظره غرور انگیز، چون خرس تیر خورده بخمود می‌بینیدند، چرا که این کلاسها و فضای دموکراتیک آن، همه‌آنها را که شب و روز در جهت جدایی خلقها از یکدیگر و ایجاد تفرقه و دشمنی بین آنان تلاش می‌ورزیدند، تحقیر می‌کرد.

رژیم خیانت‌پیشه و جنایتکار جمهوری اسلامی که با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم نیروی لایزال آنها را وسیله تحکیم سلطه حکومت جابرانه و افکار ریوسیده و قرون وسطایی خویش نموده بود، کانون فرهنگیان ترکمن صحرا را نیز همانند کلیه تشکلهای مردمی خاری در چشم خود می‌دید و کینه حیوانی آنرا به دل داشت. لذا همزمان با یورش ددمنشانه بسسه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای

ترکمن صحرا، این کانون رانیز مورد حمله دیوانه و ار خود قرار داد. او با شان جمهوری اسلامی با غارت کانون و به آتش کشیدن کتابهای علمی و حتی جزوات کلاسهای کنکور، دشمنی خود را با خرد و اندیشه انسانی و دستاوردهای آن هر چه عریا نتر به نمایش گذاشتند. بدنیال آن بگیر و ببند و اعدام و اخراج و تبعید معلمین مترقی و فداکار که گناهی جز پاسداری از شرف و حیثیت مقام معلمی نداشتند آغاز گردید، بطوریکه حتی تا این لحظه نیز از کوششهای مذیوحانه خویش در جهت محو آثار نیک و ارزنده کانون و زدودن خاطره غرور انگیز معلمین مبارز و ایثارگران زده من توده دانش آموزان و اولیاء حق شناس آنان دست بر نمی دارند، اما ارتجاع آبرویا خسته و فرهنگ ستیز حاکم که با پیش گرفتن سیاست نفرت انگیز جنگ افروزانه خود، ارمغانی جز جهل و مرگ برای دانش آموزان، بویژه برای فرزندان زحمتکشان ندارد هرگز قادر نخواهد گشت، نیات پلید خود

است. *

مبازره دهقانان و مردم ترکمن صحرا علیه رژیم حامی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و سرکوب کننده حقوق ملی و فرهنگی خلقهای میهنمان ادامه دارد *

ستاد مرکزی شوراها

ورژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قادر نیست اوضاع را به روال سابق برگرداند.

طی ۷ سال گذشته رژیم کوشیده است تا با سرکوب دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا زمین های بزرگ مالکان را بازگرداند، اما همواره با مقاومت یکپارچه دهقانان مواجه شده است. اکنون بخش اعظم زمین های مصادره ای هنوز در اختیار دهقانان و شوراهای آنهاست و

شوراهاى دانش آموزان را براى كنترل مدارس دربرخى از مدارس ايجاد نمايند .

دانش آموزان تركمن صحرا در جهت ايجاد تعاونيهائى مدارس كوشيدند و طرحهاىي را در اين باره ارايه كردند و موفقيت هايي نيز كسب نمودند . دانش آموزان همچنين عليه معلمين مرتجع و بازمانده از رژيم شاه خائـن دست به افشاگرى زدند و از پذيرش آنها به كلاسهاى درس خود داري نمودند

دانش آموزان و جوانان تركمن صحرا ، به حق سهم ارزشمندی در پيشبرد مبارزه مردم منطقه بعهده داشته و دارند و در مبارزه خلق تركمن چه قبل و چه بعد از انقلاب فعالانه شركت نمودند . مبارزه دانش آموزان و جوانان تركمن صحرا قبل از انقلاب عليه رژيم پوسيده شاه و در جهت اخراج معلمين و مديران ساواكي و تعطيل مدارس براى پيوستن به تظاهرات فراموش نشدني است . بلافاصله

از نبرد دانش آموزان تركمن صحرا

و تصفيه انقلابى آنان را طلب كردند .

پس از انقلاب در پناه جـو دموكراتيكي كه به دليل مبارزه شوراهاى تركمن به رهبرى ستاد مركزي فرهنگي و سياسي خلق تركمن در منطقه ايجاد شده بود ، دانش آموزان نيز به كمك معلمان مترقي خود محيطى دموكراتيك در مدارس ايجاد كردند . وزمينه هاى رشد و شكوفايى محصلين را فراهم نمودند . انجمن هاى گوناگونى براى فعاليتهاى فوق برنامـه دانش آموزان در مدارس ايجاد گرديد . وزمينه هاى شركت هر چه فعالتر دانش آموزان در مبارزات زحمتكشان منطقه فراهم شد .

دانش آموزان و جوانان تركمن صحرا در تحقق خواست ديرينه دهقانان زحمتكش منطقه ، شركت فعال مى نمودند . آنها ، در پيشبرد برنامه هاى

پس از پيروزي انقلاب ، دانش آموزان تركمن صحرا در جهت روابط تحميلي در مدارس و براى دخالت خويش در امور و كسب حقوق صنفى خود به مبارزه پرداختند . سر كوب و اختناق ساليان طولانى كه بخصوص در مدارس تركمن صحرا شدت وحدت بيشتري داشت ، دانش آموزان پيشرو و مترقي را بر آن داشت كه دست در دست معلمان مترقي خود به حرکت درآيند و جو اختناق را در مدارس بشكنند و حقوق صنفى خويش را طلب كنند . دانش آموزان با اتحاد ديگانه گى خود توانستند روابط نوينى را در بسيارى از مدارس مستقر سازند و محيط دبيرانه را به محل طرح خواستهاى مردم زحمتكش منطقه مبدل نمايند . و ضمن مبارزه در راه خواستهاى صنفى خود از مطالبات برحق معلمان خويش حمايت كنند . دانش آموزان تركمن صحرا عليرغم مخالفت مرتجعين حاكم توانستند

سیاسی و آموزشی کانون فرهنگی
و سیاسی خلق ترکمن در سراسر
ترکمن صحرا شرکت داشتند. دانش-
آموزان در روزهای تعطیل به
روستاها می‌گوناگون می‌رفتند.
به دهقانان زحمتکش کمک می‌کردند
و در جهت آگاهی آنها می‌کوشیدند.
برای جوانان روستاها کتاب می-
بردند و آنها را به ضرورت مبارزه
همه جانبه علیه بزرگ مالکان
و حاکمان آنها آگاه می‌ساختند.

دانش‌آموزان مبارز ترکمن
صحرا در تمام راهپیمایی‌های
اعتراضی زحمتکشان ترکمن صحرا
شرکتی فعال داشتند. و هم-
زحمتکشان منطقه به مبارزه علیه
ظلم و تعدی می‌پرداختند.

دختران دانش‌آموز ترکمن
طی این مدت برای اولین بار
دوش بدوش، پسران و مردم
محروم منطقه به مبارزه روی
آوردند و توان و آگاهی بی‌نظیر
خود را به نمایش گذاردند. دختران
دانش‌آموز موفق شدند علیه
تحمیلات ارتجاعی که آنان را از
پوشیدن لباس ملی خود در مدارس
منع می‌کرد، به مبارزه پردازند.
و گام ارزشمندی در راه احیاء
فرهنگ و سنت ملی خویش به پیش
بردارند. آنها علیه رزم مخالفان
مسئولان آموزش و پرورش منطقه با
مبارزه و پیگیری خودخواستشان
را متحقق ساختند. و با لباس
ترکمنی در کلاس درس حضور یافتند.
مرتجعین ضد فرهنگ جمهوری اسلامی
بعدها با ارباب و سرکوب
آن مقررات ضد خلقی را دوباره
احیاء کردند و دانش‌آموزان دختر
را به جرم پوشیدن لباس ملی خود
از مدارس اخراج نمودند.
دانش‌آموزان مبارز ترکمن

صحرا طی دو جنگ تحمیلی، که رژیم
برای سرکوب مبارزات خلق ترکمن
سازمان داد، به همراه مردم
منطقه به دفاع عادلانه از خلق
خویش برخاستند. و شهدای بسیاری
تقدیم زحمتکشان ترکمن صحرا
نمودند. یاد و خاطره شهید بهروز
آخوندی دانش‌آموز هفده ساله
شهر گنبد که بدست دژخیمان
خمینی به فجیع‌ترین صورت به
شهادت رسید، هیچگاه از خاطر مردم
ترکمن صحرا محو نخواهد شد. آنها
همواره در کنار مردم برای احیاء
فرهنگ و سنن ملی خلق خویش و تحقق
خواستهای ملی سرکوب شده آنها
می‌رزمیدند. نقش دانش‌آموزان
و جوانان ترکمن صحرا در مبارزه
مخفی و دشواریس از جنگ دوم گنبد،
در سازماندهی مجدد مبارزه در منطقه
نقشی درخور تحسین بوده و هست.
دانش‌آموزان و جوانان
منطقه بر بستر آگاهی و تجارب
فراوانی که در مبارزه آموخته‌اند
امروز نیز دوش بدوش زحمتکشان
منطقه علیه ارتجاع حاکم مبارزه
می‌کنند. رژیم علیزغم جوتور و
اختناق و اعدامهای جنایتکارانه
مبارزان انقلابی ترکمن
صحرا قادر نشد، فریاد خروشان دانش-
آموزان ترکمن صحرا و پیوند
آنها را با زحمتکشان منطقه قطع
کند.

دانش‌آموزان ترکمن صحرا
اکنون نیز علیه تحمیلات ارتجاعی
رژیم در مدارس و اجتماعات حاکم
بر آن و مریبان ساواکی ام-
تربیتی مبارزه می‌کنند و در جهت
ایجاد تشکلهای دموکراتیک خود
می‌کوشند. امروز دانش‌آموزان
و جوانان مبارز ترکمن، بیش از
پیش به مسئولیت بزرگ خود در

صیادان ترکمن صحرا

علیه اربابان و رژیم خمینی

شیلات، برگزاری نشست‌ها و سخنرا-
نیاها برای صیادان، کمک
به صیادان در جهت تشکیل شوراهای
منتخب خود و افشاء ماهیت تلاشهای
ضدانقلابی اربابان و عناصر
سودجوییش از پیش پیوندکامون
وصیادان را مستحکم تر ساخت. جنبش
روبه‌اعتماد صیادان پراکنده
وبی‌سازمان بود. در ایامی که
اربابان و مسئولان شیلات جهت
مسخ و به‌سازش‌کشانده جنبش
صیادان تلاش می‌کردند، ضرورت
سازمان‌یابی پیش‌صیادان
حول شکل‌های واقعی آنها احساس
می‌شد. در پاسخ به این ضرورت
کانون صیادان را به نشست عمومی
جهت انتخاب نمایندگان و هدایت
آن در راستای هدفمند و برنامه
فراخواند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق
ترکمن در تداوم روند فعالیت
انقلابی خویش به آنچنان مرکزی
مبدل گردید که صیادان آنرا
مطمئن‌ترین حامی و پشتیبان و
یا ورخود دانسته و با بروز کوچکترین
مشکلات به کانون روی می‌آوردند.
ابراز همبستگی عمیق صیادان
با مبارزات دهقانان منطقه
و شرکت فعال و عملی در این مبارزات
جهت خنثی کردن توطئه‌ها و دسیسه-
های بزرگ مالکان و کلان‌سرمایه-
داران نتیجه تلاش‌های شبانه-

در اولین روزهای پس از پیروزی
انقلاب، کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن که بعنوان ضرورت
انقلابی در ترکمن صحرا در راه مبارزه
برای زدودن ستم‌طبقاتی - ملی
و جهت پاسگویی و هدایت ورهبری
مبارزات زحمتکشان توسط روشنفکران
انقلابی ترکمن صحرا شکل گرفت،
در کنار مسایل عدیده و متنوع
منطقه هدایت ورهبری مبارزه
صیادان را نیز فرا روی خود قرار
داد. کانون با ظهور اولین جرقه-
های مبارزه صیادان توانست با
طرح شعارهای محوری چون "دریا
بالحقچالانقی" و... پیوند خود را با
آنان تحکیم بخشیده و با جلب
اعتماد کامل صیادان آنان را بدور
خود گرد آورد. رهنمودهای درست
کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
در سمت بخشیدن به مبارزات خود
انگیخته صیادان نقش بسزایی
در پیشبرد خواسته‌ها و آمال و آماج
صیادان ایفاء نمود.

کانون با پیگیری و تلاش شبانه-
روزی خود توانست در ارتقاء
مبارزات منفرد و پراکنده صیادان
به مبارزه‌ای سازمان‌یافته و
منسجم و درکنالی درست و هدفمند
گام‌های بغایت ارزنده‌ای را بردارد
مذاکرات بی‌دری با مقامات مسئول
شیلات، کمک در جهت تنظیم خواسته-
های صیادان و آرایه آن به اداره

روزی کانون در ارتقاء آگاهی سیاسی صیادان بود. در ایامی که محور مبارزات صیادان را خلق یازاریان و تشکیل شرکت های تعاونی صیادان تشکیل می داد ، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن با حمایت گسترده و شرکت فعال خود در حرکت های اعتراضی آنان در به تعمیق بردن و سمت بخشیدن به مبارزات صیادان و شناساندن حق و حقوق واقعی آنان نقش شایان توجهی را ایفاء نمود. اوج گیری مبارزات صیادان و هدایت و سمت دهی هر چه عینی تر این نیروی لایزال توده ای که جنبش دهقانی منطقه تا ثیر فرزاینده و بدون انکاری را بر آن می بخشید، ضرورت انتشار نشریه ای بنام "صیادان" را ایجاب نمود. این نشریه در مدت انتشار خود توانست عالی ترین خواسته ها و اهداف صیادان را در خود منعکس نماید. در بسط و گسترش خواسته های سیاسی صیادان و بالا بردن آگاهی سیاسی و تفهیم اهمیت تشکیل و همبستگی به آنها بکوشد. وضعیت جنبش دهقانی منطقه و زحمتکشان سایر نقاط میهنمان را منعکس سازد. و در افشاء عملکردهای اربابان و سرمایه داران گامهای برجسته ای به پیش بردارد. حمایت های بی دریغ و بی شائبه کانون و زحمتکشان منطقه از مبارزات صیادان از یک طرف بر نیروی صیادان در متحقق ساختن حتمی خواسته های شان افزوده و از جانب دیگر اربابان و مسئولان دست اندرکار

شیلات را در موضع ضعف و عقب نشینی قرار داد.

خلق یازاریان و واگذاری کامل گومه های اربابان ، تشکیل شرکت های تعاونی صیادان ، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و تحقیق دیگر خواسته های صنفی ، موفقیت بزرگی بود که در سایه مبارزه متحد و یکپارچه تمامی صیادان و پشتیبانی و حمایت دیگر اقشار زحمتکش منطقه و تحت رهنمودهای کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن حاصل آمد. دست یازیدن به چنین موفقیت هایی در عین حال که موجبات شرف و شادای زحمتکشان منطقه را فراهم آورد ، تا ثیرات بلاواسطه خود را نیز بر دیگر صیادان کناره دریای خزر برجای نهاده و در آگاهی مبارزات آنها موثر افتاد.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن همچنین در جهت محبوبی وادی در میان صیادان انعکاس وضع زندگی و مضامین و اهداف مبارزه آنان در میان سایر زحمتکشان کشورمان و جلب حمایت گسترده و پیوند مبارزات زحمتکشان منطقه و سایر نقاط کشور با مبارزات صیادان فعالیت می نمود.

یورش بر بر منشا نه حکام خائن جمهوری اسلامی به کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ، امکان بسیار ارزنده ای را از صیادان سلب نمود. کوردلان مرتجع که دقیقاً نوک تیز آماج خود را نابودی تمامی دستاوردهای زحمتکشان قرار داده بودند ، با وجود همه

بقیه در صفحه ۴۴

جیلانگی

دریابالیق

نقش شوراهای محلی

در تشکل توده‌ها

با پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ در پی درخواستهای مکرر توده‌های مردم ساکن مناطقی ترکمن نشین شهر گنبد، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا اقدام به تأسیس شوراهای محلی نمود. انتخابات اعضای شوراهای با حضور و شرکت تمام اهالی محله‌ها بصورت علنی و کمالدموکراتیک برگزار گردید. مردم نمایندگان واقعی خود را با نظارت و سازماندهی ستاد، انتخاب نمودند. اکثریت قاطع اعضای انتخاب شده را افراد مترقی و مورد اعتماد مردم تشکیل می‌دادند. تقسیم بندی محلات بسته به شرایط محلی و جغرافیایی انجام شد. در مدت کوتاهی انتخابات به پایان رسید و پانزده شورای محلی در محله‌های ترکمن نشین فعالیت خود را آغاز نمودند. هر شورا در حیطه فعالیت خود تصمیم گیرنده و اجرا کننده بود. آنها در عرصه‌های مختلف با ابتکارهایی که از خود نشان می‌دادند، و با همکاری نزدیک مردم انجام وظیفه می‌نمودند تا مبنی ما یحتاج عمومی، عمران و آبادانی محلات، بهداشت و رفاه مردم، رسیدگی به مشکلات اهالی و اختلافات موجود، و غیره عرصه‌هایی بودند که شوراهای با همیاری مستقیم توده‌ها و با توجه به توان مادی و معنوی خود برای آسایش توده

زحمتکشان شهر انجام می‌دادند. در جلسات منظمی که هر دو هفته یکبار تشکیل می‌شد، شوراهای کلیه مشکلات و تقاضاهای مردم محل رسیدگی کرده و مسایل و مشکلات آنها را پیگیرانه تعقیب می‌نمودند. نتایج کار پیگیرانه شوراهای در مدت زمان کوتاهی برای توده‌های زحمتکش مشهود و ملموس بود. به همین خاطر اهالی حول شوراهای خود حلقه زده، در جهت تقویت آن می‌کوشیدند.

بلافاصله پس از جنگ تحمیلی دوم گنبد عمادای امام جمعه شهر گنبد از طرف حاکمیت، مأموریت یافت تا انتخابات شوراهای محلی را در محله‌های ترکمن نشین که اکثریت محلات شهرها را تشکیل می‌داد، برگزار نماید. این بار انتخابات با نظارت امام جمعه صورت گرفت. اعضای قبلی شوراهای حق‌کامندید شدن را نداشتند، توده‌های زحمتکش از میان کاندیداهای جدید، اشخاص را برگزیدند که مورد تأیید اعضای شورای سابق بود. در نتیجه نیروهای مترقی و مورد اعتماد مردم علیرغم خواست مرتجعان به عضویت شوراهای برگزیده شدند. فعالیت شوراهای محلی با نام شوراهای اسلامی مناطق وارد مرحله جدیدی شد. اعضای مترقی، شوراهای پیگیرانه در جهت کار در میان توده‌ها، تشکل و سمت دهی آنها تلاش می‌کردند. این نیروها که اعضای شوراهای مختلف را تشکیل می‌دادند، با هم ارتباط برقرار کرده، تبادل نظر نمودند. در جهت هماهنگی کارها، تقویت نیروهای مترقی در شوراهای و طرد عناصر مرتجع فعالیت می‌نمودند. فعالیت عناصر مترقی و ارتباط

آنها با هم ، بازشوراها را به مرکزی برای حل و فصل مشکلات مردم تشکیل و اتحاد آنها مبدل ساخت . این امر بهیچ وجه با خواست مرتجعان برای مسخ شوراها هماهنگ نبود و خشم آنان را برمی انگیزت ، بدین جهت آنها با رها برای نفوذ عناصر خود در شوراها کوشیدند ولی هر بار با مقاومت و مقابله مردم مواجه شدند و کاری از پیش نبردند .

شوراهای محلات در شرایط اختناق سالهای ۵۹ و ۶۰ همچنان فعال بودند و مسایل و خواستههای اهالی حوزه فعالیت خود را پی می گرفتند و وسیعاً به کار توده‌های می پرداختند ، شوراهای محلات برای گزارش به اعضای خود و اهالی محله‌ها گرد می آمد ، تشکیل می دادند و در این گردهمایی‌ها شرکت کنندگان مسایل و مشکلات محل را طرح و بررسی می کردند و شوراها را در پیشبرد امور مورد راهنمایی قرار می دادند . از دیگر فعالیت شوراها تشکیل نمایشگاه ، بسیج مردم محله برای کارهای عمرانی در محل ، جدول کشی و خیابان کشی با کمک شهرداری سازماندهی نظافت محل در روزهای تعطیل ، کمک مادی و معنوی به سالخوردگان و توزیع ارزاق عمومی در میان مردم و ... بود .

رژیم استبدادی خمینی که از تشکل مردم و شرکت آنها در کارهای مربوط به خودشان وحشت دارد ، در طی فعالیت شوراهای محلات ترکمن صحرا ، بعناوین

گوناگون بر سر راه آنها مانع ایجاد می کرد با برچسب زنی به فعالین شوراها دستگیری و زندانی اعضای آنها و تهدید و ارباب مردم می کوشید تا مانع از فعالیت شوراها گردد . رژیم تلاشهای فراوانی را سازمان داد تا شوراهای محلات در شهرهای ترکمن صحرا را به ابزار خود مبدل سازد . و آنان را به وسیلهای برای جاسوسی و خبرچینی تبدیل کند ، ولی بهیچ وجه موفق نشد . رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تاکنون نیز قادر نشده است شوراهای محلات ترکمن نشین شهر گنبد را برچیند و آنها را مطابق میل و اراده خود اداره کند . افراد مترقی و مردم آگاه گنبد شوراهای محلی خود را حفظ می کنند و مانع از آن می شوند که مرتجعین از این تشکل مردمی سوء استفاده کنند .

فعالیت و کار خستگی ناپذیر جوانان مبارز و مترقی محله‌های گوناگون شهرهای ترکمن صحرا ، و هدایت راهنمایی و سازمان‌گیری انقلابی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نهالی را کاشت که رژیم جمهوری اسلامی قادر به ریشه‌کن کردن آن نیست . آگاهی مردم شهرهای ترکمن صحرا به حقوق خویش و ضرورت اتحاد و تشکل برای پیشبرد امور روزمره و مسایل صنفی و خواستههای مشترکشان ، امروز ضامن حفظ و تحکیم و گسترش شوراهای مردمی در محلات شهرهای گوناگون منطقه است .





زنان ترکمن صحرا

به مبارزه خود ادامه می دهند

آفشاء می کرد و بر ضرورت شرکت زنان در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی تاکید می نمود.

تبلیغ و تشویق زنان به شرکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که سیاستهای خائفانه و شوینستی رژیم شاه عاملی بازدارنده و مانعی جدی در راه آن ایجاد کرده بود، ضرورتی مبرم داشت.

کانون زنان توانست در مدت کوتاه فعالیت خود، تا مین زیادی بر رشد آگاهی سیاسی زنان و آشنایی آنها به حقوقشان بر جای گذارد. زنان آگاه ترکمن صحرا نیز از فعالیتهای برنامه های کانون با شور و اشتیاق وصف ناپذیری استقبال می کردند و با آن همکاری نزدیک داشتند.

کانون زنان ترکمن صحرا برای از میان برداشتن عقیب مانده گیهای زنان، اقدام به تشکیل کلاسهای مبارزه با بیسوادی در شهر و روستا نمود. زنان

همراه با اوج گیری مبارزه انقلابی خلق ترکمن، علیه رژیم شاه و بزرگ مالکان، زنان و دختران مبارزو مترقی منطقه نیز به مبارزه پیوستند و سهم خویش را ادا کردند. زنان و دختران ترکمن صحرا که از ابتدای ترین حقوق خویش محروم بوده و تحت ستم مضاعف بسر می بردند، بلافاصله پس از انقلاب به مبارزه سازمان یافته برای احقاق حقوق خویش پرداختند و کانون زنان ترکمن صحرا را ایجاد کردند. کانون زنان مورد استقبال وسیع زنان و دختران ترکمن قرار گرفت. و به مرکزیت برای تجمع زنان منطقه تبدیل گردید. کانون یکی از وظایف اصلی خود را آگاه کردن زنان منطقه به حقوق پایمال شده خویش و ارتقاء سطح آگاهی زنان قرار داده بود. هر روز در کانون برای علاقمندان بحث و گفتگو و پیرامون مسایل حاد و مبرم کشور مسایل و مبارزات زنان سراسر کشور جاری بود. کانون سیاستهای ارتجاعی رژیم گذشته و محدودیت های راکه رژیم خمینی می کوشید برای زنان میهن ما ایجاد کند،

منطقه به مسایل و مشکلات آنها و اجافاتی که به آنان روا شده است، ادامه کرد.

کانون زنان ترکمن صحرا با برپایی نمایشگاهها، برگزاری اجتماعات و سخنرانی‌ها در مدارس و روستاها زنان منطقه را با خواسته‌های زنان سایر نقاط کشور و مبارزات آنها، همچنین با خواسته‌ها و مطالبات و مبارزه کارگران دهقانان و همه زحمتکشان سراسر کشور آشنا می‌ساخت. و اخبار مبارزه آنها را به اطلاع زنان ترکمن صحرا می‌رساند. کانون در طی فعالیت خود با دستاوردهای مبارزات زنان سایر نقاط کشور آشنا شد و از تجربیات ارزشمند زنان متمدنی و مبارزه مناطق دیگر سود جست.

کانون زنان ترکمن صحرا در طول فعالیت خود توانست اعتماد زنان منطقه را بخود جلب کند، و تا ثیرات فراوانی در ارتقاء آگاهی آنان بر جای گذارد. بی‌گمان مبارزه زنان ترکمن صحرا تحت رهبری کانون زنان، و تجزیات فراوانی که از این رهگذر زنان و دختران ترکمن صحرا کسب نمودند. دخیره ارزشمند برای مبارزه آینده آنهاست.

اکنون زنان آگاه، مبارز و متمدنی ترکمن با درک ضرورت مبارزه برای رهایی خویش از تحمیلات قرون وسطایی مرتجعین حاکم که زنان ترکمن صحرا را حتی از حقوق پوشیدن لباسهای سنتی خود محروم می‌سازند، بر اتحاد و پیوند در صفحه ۴۴

زحمتکش قالیباف روستاها، که از ابتدایی ترین امکانات و مسایل زندگی محرومند و اکثریت قریب به اتفاق آنها بیسوادند، از این برنامه کانون استقبال کردند. کانون در حد امکانات محدود خود در این عرصه فعالیت نمود و کوششهای آن بی ثمر نبود.

کانون زنان ترکمن صحرا، همچنین در زمینه بهداشت و درمان به زنان زحمتکش ترکمن صحرا کمک می‌کرد و به آنان در حد توان خویش آموزش می‌داد و در این زمینه از پزشکان مبارز و دموکرات منطقه سود می‌جست.

کانون زنان در جهت آگاهی زنان و دختران قالیباف و محروم منطقه کوشید. کانون زنان قالیباف را با حقوق خویش آشنا کرد و به افشاء غارت و چپاول دسترنج آنها توسط مثنی سرمایه داران و اوصفت پرداخت. و در جهت متشکل ساختن زنان زحمتکش قالیباف در تعاونیهای قالیبافان کوششهای فراوانی کرد. کانون تهیه مواد خام برای تولید قالی و فروش مستقیم محصولات تولیدی بدون دخالت واسطه‌ها به خریداران را از اهداف عمده تعاونیهای قالیبافان قرار داد. این ابتکار با حمایت زنان قالیباف منطقه مواجه گردید.

کانون زنان ترکمن صحرا در میتینگها و اجتماعاتی که به مناسبتهای گوناگون در منطقه برگزار می‌گردید، سهم و نقش خویش را در طرح مسایل زنان و آگاهی سایر اقشار و گروههای اجتماعی

اوقوگه رك حاطه گه رك ترکمنچه مکتب گه رك

کتابخانه‌های روستایی و محلی

با اوج‌گیری مبارزات زحمتکشان شهری و روستایی در ترکمن صحرا ضرورت افزایش آگاهی هرچه بیشتر جوانان شهری و روستایی بیش از هر زمان احساس می‌گردید. رژیم جنایتکار شاه با پیشبرد سیاستهای ضد ملی خودمانعی جدی در جهت رشد آگاهی‌های مردم منطقه ایجاد کرده بود. روی این اصل برای افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، بخصوص در بین جوانان کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن اقدام به ایجاد کتابخانه‌هایی در روستا و محلات شهرها نمود. این اقدام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن بلافاصله مورد استقبال پرشور جوانان شهری و روستایی قرار گرفت و ایجاد این کتابخانه‌ها به یک حرکت توده‌ای تبدیل شد. در تمامی محلات شهر و روستاها با همکاری مردم و شوراها و جوانان کتابخانه‌ها یکی بعد از دیگری در مدت زمانی کوتاه تشکیل شدند. در پی این حرکت انقلابی جوانان و شوراها در افتاده‌ترین روستاها با مراجعه به کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن خواستار ایجاد کتابخانه در روستا و محل خود می‌شدند. هزینه و تمام‌نیازهای کتابخانه زادا و طلبانه متقبل گردیده و با شور و شوق وصف‌ناپذیر

به ایجاد آن می‌پرداختند. بدین ترتیب در ترکمن صحرا که قبل از انقلاب به غیر از چند کتابخانه دولتی در شهرهای بزرگ و مراکز بخشها، که کتابهای محدود و سانسور شده‌ای داشتند، کتابخانه‌ای وجود نداشت به همت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن کتابخانه‌های محلی و روستایی حتی در دور افتاده‌ترین روستاها ایجاد شدند. با تلاش و جدیت کانون فرهنگی و سیاسی، جدیدترین و کمیاب‌ترین کتابها و نشریات علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ادبی در اختیار این کتابخانه‌ها قرار می‌گرفت. کتابخانه‌ها به غیر از پخش هرچه بیشتر کتاب در بین مشتاقان کتاب با برپایی هسته‌های مطالعاتی در محلات کتابخانه‌ها و با پیشبرد مطالعات سیستماتیک اعضای خود در جهت رشد آگاهی آنان می‌کوشیدند. فعالیت این کتابخانه‌ها تقریباً تا پاسی از شب ادامه می‌یافت و اکثر اعضای آن که تقریباً تمامی جوانان محلات و روستاها را در بر می‌گرفت، به بحث و مشاوری در امور مسایل مختلف سیاسی و اجتماعی و مسایل حاد مردم منطقه و کشور می‌پرداختند. شوراها و روستاها و محلات شهرها شرکت در این جلسات

جوانان محل زاد جریان مسایل
ومشکلات مردم می گذاشتند و از این
طریق مشارکت جوانان در حل
این مشکلات را تأمین می کردند .
در مجموع کتابخانه ها به غیر از
وظیفه تنویر افکار جوانان ، نقش
سازماندهی فعالیت های سیاسی
واجتماعی آنان را نیز در حد توان
برعهده داشتند .

در روستاها ، با توجه به
مشکلات و مسایل روستاییان ، فعالیت
کتابخانه ها نیز با لطمه از ویژگی
خاصی برخوردار بود . این کتابخانه ها
ضمن اینکه همان وظایف
کتابخانه های محلی شهر را پیش
می بردند ، وظیفه سازماندهی
جوانان روستا ، جهت کمک به
کشت و برداشت محصول توسط
روستاییان و شوراهای روستا برعهده
داشتند . اعضای این کتابخانه ها
با شرکت فعال خود در اقدامات
عمرانی و بهداشتی در روستاها
و با تبلیغ و ترویج ایده های
مترقی و انقلابی در بین مردم به
ارگانی مورد حمایت و محبوس
در روستاها بدل گردیدند . کتابخانه ها
محلی در اکثر روستاها
برای مبارزه با بیسوادی کلاس هایی
تشکیل دادند که با استقبال
مواجه گردید .

مجموعه این فعالیت های
آگاهگرانه و سازمانگرانه
کتابخانه ها در شهرها و
روستاها و کار هدفمند کانسون
فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
در رابطه با آنان ، جوانان ترکمن
صحرارابه صورت نیرویی آگاه

و متشکل به صحنه کشاند . طبیعتاً
این امر برای حاکمیت جمهوری
اسلامی قابل تحمل نبود . تا جایی
که در اواخر پاییز سال ۵۸ با اعزام
مرتجعینی مثل فخرالدین حجازی
و هادی غفاری و ترتیب دادن
سخنرانی های تحریک کننده در
گنبد و بندر ترکمن و گرگان عمیق
وحشت خود را از اقدامات این
کتابخانه ها نشان می داد . حجازی
مرتجع معروف در این رابطه
در یکی از سخنرانی های خود در گنبد
گفته بود که " کمونیستها در
ترکمن صحرا کامیون ، کامیون
کتاب پخش می کنند و با ایجاد
کتابخانه های در جهت غیر اسلامی
کردن این منطقه تلاش شبانه روزی
می کنند " و هشدار می داد که مردم
بخصوص جوانان نباید به این
مراکز بروند .

بعد از تحمیل جنگ دوم ، به خلق
ترکمن و سرکوب مردم ترکمن صحرا
کتابخانه های محلی و روستایی
نیز جزو اولین مراکز بودند که
پاسداران در شهرها و روستاها
روستاها به آنها یورش بردند و عمق
نفرت و کینه حیوانی رژیم را نسبت
به این مراکز علم و معرفت آشکارا
به نمایش گذاشتند . در شهر آق قلا
کتابهای کتابخانه کانون فرهنگی
سیاسی در وسط خیابان و در انظار
عمومی به آتش کشیده شد و در روستای
کرت از بخش آق قلا با خشم و نفرت
کتابخانه روستا را منفجر کردند .
اما با هوشیاری و با فداکاری جوانان
آگاه و مبارز روستاها اکثر کتابهای
این کتابخانه ها از زیر ضربات

دوخیمان فرهنگ ستیز و وابشان جمهوری اسلامی خارج شدند. مجدداً کتابخانه‌ها بصورت مخفی در خانه زحمتکشان شهروروستا سازماندهی شده و فعالیت‌های خود را به شیوه دیگری پی گرفت.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، با ایجاد این کتابخانه‌ها به موفقیت‌های عظیمی در عرصه تبلیغ و ترویج ایده‌های مترقی و انقلابی در بین جوانان و زحمتکشان ترکمن صحرانائل آمد که تا آن مرحله در مبارزات مردم ترکمن صحرایی سابقه بوده است. با فعلیت این کتابخانه‌ها، نسل‌های از انقلابیون جوان و پر شور پرورش یافت. و بصورت سرمایه عظیمی به‌شترانه مبارزات مردم منطقه قرار گرفت. امروز نیز فرزندان دهقانان زحمتکش و جوانان مبارز شهرها که از کار آگاه‌ها گرانده کتابخانه‌های خویش بهره‌مند شدند، به مبارزه علیه ظلم و ستم ملی و طبقاتی نسبت به خلق خویش ادامه می‌دهند.



زنان ترکمن صحرا ...

همبستگی با سایر زنان کشور تا کید می‌کنند. محدودیت‌هایی که رژیم ارتجاعی حاکم بر زنان ترکمن صحرا اعمال می‌دارد، جدا از محدودیت‌ها و محدودیت‌های زنان در سراسر کشور نیست. راه رهایی زنان میهن ما که تحت ستم مضاعف قرار دارند، و از ابتدایی‌ترین حقوق فردی و اجتماعی محرومند، اتحاد و یگانگی آنها و حمایت همه‌جانبه از مبارزه سراسر کشوری علیه رژیم ترور و اختناق و برای ایجاد فضای آزاد و دموکراتیک در میهن ما است.



صیادان ترکمن صحرا ...

تلاش‌های خود در به انحراف کشاندن مبارزات صیادان و نابودی شکل‌های واقعی آنان و در غایت بازگرداندن دوباره حاکمیت اربابان، در مقابل اراده خلل‌ناپذیر صیادان چاره‌ای جز عقب‌نشینی نداشتند. دشمن کینه‌توز علیرغم روی آوردن به نیروی قهر و ضرب و شتم و دستگیری و زندانی صیادان به بهانه‌های واهی مختلف، هنوز نتوانسته بر امیال ضد مردمی خویش دست یابد. صیادان زحمتکش همچنان در سنگر تشکل‌های خود در مقابل نیروهای اهریمنی جلادان خمینی ایستاده و مقاومت می‌کنند. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در آستانه هفتمین سال تاسیس خود ضمن ارج نهادن به مبارزات و مقاومت‌های صیادان یکبار دیگر حمایت قاطع خود را از مبارزات برحق تمامی صیادان اعلام داشته و آنان را به تشکیل تعاونی‌های واقعی و ایجاد اتحادیه‌های صیادان فرا می‌خواند.



از نبردها نش آموزان ...

مقابل خلق محروم و در بند خویش آگاهند. آنها مدارس منطقه را به محلی برای انعکاس اخبار مبارزات مردم سراسر کشور و انعکاس کار و پیکار مردم منطقه مبدل ساخته‌اند. با دهقانان مبارز در روستاها ارتباط تنگاتنگ خویش را حفظ کرده و در جهت آگاهی و سازماندهی مبارزه آنها در حد توان می‌کوشند و به مبارزه آنها علیه رژیم ضددهقانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی یاری می‌رسانند.



لحظه‌هایی از جنگ گنبد

ترکمن وزحمتکشان منطقه می‌باشد . پاسی از شب گذشته است . خیابانها وکوچه‌های گنبد آرام و خاموش لمیده‌اند از سروصدای روزخبری نیست . پاسداران شب آرام آرام از لانه‌های خود بیرون می‌خزند . گذاره بندان و مسلسل بدستان همیشه وسپاه در شهر به گشت می‌پردازند . حرکات آنها ، امشب با شب‌های پیش متفاوت است . همه آنها مسلح و آماده‌اند . آخر خلق ترکمن به دعوت فداییان خلق خود را برای برگزاری راهپیمایی بمناسبت نوزدهم بهمن سالروز حماسه سپاهک آماده می‌سازد . درستادگوشی اول صبح است ، همه سرگرم کار فعالیت هستند . فرزندان انقلابی خلق در راه بهروزی زحمتکشان شب و روز نمی‌شناسند . دژخیمان در تدارک جنگند و به این منظور رهبران ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا تومساج مختوم ، واحدی وجرانی توسط سپاه پاسداران گنبد شبانه پیاده شده و بمنطقه نامعلومی پیروده می‌شوند . هنوز اکثریت قریب به اتفاق مردم هیچگونه اطلاعی از این ماجرای ناجوانمردانه ندارند . اولین مرحله توطئه عملی می‌شود . روز نوزدهم بهمن ۵۸ است ، بر فضای شهر گنبد سکوئی سنگین و

نیمه دوم بهمن سال ۵۸ است ، صدای گامهای اولین سالگرد انقلاب بزرگ مردم مبارز و قهرمان ایران از فاصله‌ای بسیار نزدیک به گوش می‌رسد . درسرا سرایران پهناور ، زحمتکشان بسرای برگزاری هر چه باشکوه‌تر اولیمن سالگرد انقلابشان آماده می‌شوند . خلق ترکمن همانند دیگر خلقهای قهرمان ایران در تدارک استقبال شایسته از این روز بزرگ و تاریخی است .

شهر پر شور گنبد زیبا تراز همیشه با پوسترها و پلاکاردهای انقلابی آذین بندی می‌شود . کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا خانه امید زحمتکشان منطقه لیریز از انسا نهای پرشور و آرزومند است . فرزندان انقلابی خلق با شور و اشتیاقی غرور انگیز در کانون و ستاد سرگرم کار و فعالیت شبانه روزی اندر ایمن سوی شهر همه چیز در خدمت تحقق و گسترش اهداف انقلاب بکار افتاده است . کانون و ستاد ، چشم و چراغ زحمتکشان خلق ترکمن و خا رجشم دشمنان قسم خورده مردم یکپارچه جنبش و حرکت ، شور و هیجان است ، اما مارهای زخم خورده نیز بیکار نه نشسته اند و سرگرم تدارک هدیه‌های تلخ و دردناک برای خلق ستعدیده

اضطراب آورده و حکم فرماست. راههای ورودی اصلی شهر زیر کنترل شدید افراد مسلح کمیته و سپاه و ارتش قرار دارد. مقر سپاه و کمیته گنبد لیریز از افراد مسلحی است که از شهرهای دیگر آورده شده بودند. همه چیز خیر از توطئه‌های دیگر بر علیه خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه می‌دهد. مرحله دوم توطئه به اجرا در می‌آید.

زحمتکشان ترکمن اعم از کارگر و دهقان، معلم و دانشگاہی، کاسپ و کاسب و پیشه‌ورو... همه این‌ها خیرنا میمون را شنیده‌اند، و اکنون خشمگین و مشوش در محوطه مقابل کانون، ستاد و چهار راه‌های اطراف گرد آمده‌اند. از چهره همگی آنان نگرانی و تشویش می‌بازد. همه از جنگ و برادرکشی بیزارند. در دل دردمنده همگی آنان آتش‌کینه و نفرت نسبت به دشمنان قسم‌خورده خلق، نسبت به نفاق افکنان جنگ‌افروز هر لحظه شعله‌ورتر می‌شود. همه تقریباً ساکت هستند و فقط بانگ‌های مضطرب با یکدیگر سخن می‌گویند.

علیرغم تلاش‌های بی‌وقفه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن برای جلوگیری از درگیری خونین، توطئه مشترک مرتجعین حاکم، بزرگ مالکان و کولان سرمایه‌داران عملی می‌شود. بار دیگر جنگی نابرابر بر خلق ستم‌دیده و دردمند ترکمن تحمیل می‌گردد. بار دیگر کشتار بی‌رحمانه این خلق بی‌گناه در گنبد آغاز می‌شود. مرحله سوم توطئه عملی می‌گردد. اکثر مردم از رزیده شدن دلاوران خلق توماج، مختوم، واحدی، جرجانی مطلع شده‌اند. همه نگران جان آنها هستند، جان

رهبران خلق ترکمن در معرض خطری جدی قرار دارد.

هیات نمایندگی خلق ترکمن از همان ابتدا با تمام نیرو و امکانات تلاش گسترده‌ای را برای قطع هر چه زودتر این جنگ و برادرکشی آغاز می‌کند. با مصفاستاندار مازندران، با تور مفیدی نماینده خمینی در گرگان، با درازگیسو فرماندار گنبد، با فرمانده سپاه پاسداران گنبد و غیره بطور مستمر از طریق تنه‌ها و سیله‌ارتباطی تلفن تماس گرفته می‌شود. از همه آنان درخواست می‌گردد که جنگ را متوقف کنند. حتی از شخص خمینی طی تلگرامی در این رابطه از سوی خلق ترکمن تقاضای کمک می‌شود. ولی از هیچیک از آنان پاسخی مثبت بگوش نمی‌رسد. هریک از آنان با آهنگ خاص خودش بر طبل جنگ و خونریزی می‌کوبند... آنها همگی از ادامه جنگ و کشتار خلق ترکمن شادمانند...

روز ۲۲ بهمن ۵۸، روز اولین سالگرد انقلاب بزرگ مردم مبارز و قهرمان ایران است. شهر گنبد فرق درخون و آتش است. غرش‌های مرگ‌آفرین تانک و خمپاره و مسلسل لحظه‌ای قطع نمی‌شود. مرتجعین بهیچ چیز رحم نمی‌کنند. آنها تصمیم گرفته‌اند به فجیعانه‌ترین شکلی از خلق مبارز و قهرمان ترکمن انتقام بگیرند. رزمندگان خلق ترکمن ناگزیرند با کمترین امکانات در مقابل یورش وحشیانه کمیته و سپاه و ارتش مجهز به توپ و تانک و هلی‌کوپتر و... از شرف و حیثیت خلق خویش قهرمانانه دفاع کنند. مقاومت پایمردانه رزمندگان دلاور خلق ترکمن در این جنگ نابرابر تحمیلی سرشار از

از می خون فجیعانه به شهادت
رسیده‌اند، چه باید کرد؟

شب ۲۷ بهمن ۵۸ است. باران
بشدت می بارد. صدای رعد و برق
با غرش‌های خمپاره و تانک و
تیربار در آمیخته و فضای شهر
رأمی لرزاند. کانون فرهنگی
و سیاسی خلق ترکمن تصمیم خود
رأمی گیرد. تنه‌راه جلوگیری
از قتل و عام بیشتر ترکمنها تخلیه
منطقه ترکمن نشین شهر از سکنه
آن است.

شب درد آور است. ساکنین
منطقه ترکمن نشین شهر گریه
در سپاهی شب در میان گیل و لای
کوچه پس‌کوچه‌ها زیر باران گلوله
و خمپاره، در جستجوی وسیله برای
خروج از شهر می باشند. در این
لحظات سخت و دردناک مردم بیش
از هر زمان دیگری یکدیگر کمک
می کنند. با وجود شب تاریک و ظلمانی
بارش گلوله‌های خمپاره و نارنجک
در این سوی شهر هیچکس احساس
تنهایی نمی کند، رزمندگان
دلاور خلق مانند سپری آهنین
در مقابل مهاجمین نا جوانمرد
و خونریز ایستاده‌اند و تا آخرین
مرحله تخلیه، سنگرهایشان را ترک
نمی کنند. حماسه آفرینی‌های
این فرزندان برومند دلاور خلق
هرگز از تاریخ مبارزاتی خلق
ترکمن زدوده نخواهد شد.

بعد از ظهر روز ۲۸ بهمن
۵۸ است. اوباشان از پیش آماده
شده رژیم، به منطقه خالی
از سکنه شهر می ریزند. ابتدا با
کینه‌ای حیوانی به سوی ساختمان
نهای کانون فرهنگی و سیاسی خلق
ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای
ترکمن صحرا حمله و رمی شونند و
وحشیانه آنرا به آتش می کشند و

حماسه‌های قهرمانانه است.
جنگ همچنان ادامه دارد. تنها
در مانگاه واقع در منطقه ترکمن-
نشین گنبد مملو از مجروحین است.
پزشکان آزاده با تمام وجود برای
مداوای مجروحین تلاش می کنند.
آنها بطور شبانه‌روزی کار می کنند.
ولی از نظر دارو و وسایل پزشکی
سخت در مضیقه هستند. خبر درگیری
گنبد در همه‌جاى ایران پیچیده
است. پزشکان انقلابی خلق قهرمان
کرداکیبی مجهز به وسایل پزشکی
و دارو تشکیل داده جهت کمک
به برادران مجروح خود در گنبد
عازم این شهر می گردند. خلق
ترکمن به این کمک بزرگ نیاز
حیاتی دارد. ولی متأسفانه
اتومبیل حامل این اکیپ از جاده
منحرف شده و از گون می گردد.
تمامی سرنشینان اتومبیل به
شهادت می رسند.
یا داین دلاوران خلق کردگرا می
باد.

مقاومت قهرمانانه رزمندگان
خلق ترکمن آتش خشم و حشیا نه
رژیم را شعله و رتر می کند. مهاجمین
هنوز نتوانسته‌اند به منطقه ترکمن
نشین شهر نفوذ کنند. کانون و ستاد
هنوز در دست فرزندان انقلابی
خلق است. رژیم بر تعهد داد
تانکهای خود می افزاید. زمزمه
بمباران منطقه ترکمن نشین شهر
بوسیله فانتومهای رژیم به گوش
می رسد. مهاجمین هر لحظه هارتر
و هارتر می شوند. از آغاز
جنگ تا کنون بسیاری از مردم
بی گناه ترکمن، از توجوان
دانش آموزی سلاح گرفته تا پیر
مرد تکیده‌ای که نتوانسته‌اند از
جنگ مهاجمین بگریزند، بدست
این جانیان عاری از شرف و مست

سپس به غارت اموال بی صاحب
 مردم در منازل خالی از سکنه
 مردم زجر دیده ترکمن می پردازند.
 در این رهگذر ترکمنی که به
 جنگشان پیفتد بی رحمانه سلاخی
 می کنند و می کشند. روستای بد لجه
 را آتش می زنند و کلبه های محقر
 زحمتکشان محروم و فقیر این روستا
 را ویران و به خاکستر تبدیل
 می کنند. مرحله چهارم توطئه
 به انجام می رسد.

جنایات رژیم در منطقه هنوز
 به پایان نرسیده است. خمینی
 خون آشام جلاد معروفش را به منطقه
 اعزام می دارد. برای تکمیل
 جنایات شخصاً دستورات لازم را به او
 می دهد. خلخالی جلاد، از بند و
 ورود به منطقه به ترور و اعدامهای
 بدون محاکمه فرزندان خلخ
 ترکمن می پردازد.

خبری دردناک در سراسر ترکمن
 صحرا می پیچد و زحمتکشان را غرق
 در ماتم و اندوهی عظیم می سازد.
 رهبران خلق ترکمن، ستارگان
 درخشان آسمان نیلگون ترکمن
 صحرا، فرزندان دلاور خلق، مبارزان
 راه آزادی و بهروزی زحمتکشان
 توماج، مختوم، واحدی و جرجانی
 راکشته اند!! این گوهبران
 گرانبهای صحرای داغ دیده ترکمن
 را خمینی جلاد نا جوانمردانه
 کشته و اجساد غرقه در خون آنها را
 بزدلانه در بیابانهای اطراف
 بجنورد انداخته است. بدین
 ترتیب دور دیگری از کشتار فرزندان
 مبارز و انقلابی خلق ترکمن توسط
 رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
 آغاز می گردد.

خبر این جنایت هولناک رژیم
 خمینی در سراسر ایران پهنای
 می پیچد. و آتش خشم و نفرتی

را که در قلب تمامی زحمتکشان
 نسبت به مرتجعین و خائنین
 به انقلاب روشن است. شعله و رتر
 می سازد. در سراسر ایران، در شهر-
 های مختلف به حمایت از خلق
 بلادیده ترکمن و اعتراض به جنگ
 و کشتار نا جوانمردانه رهبران
 این خلق غارت شده توسط
 زحمتکشان تظاهرات و راهپیمایی-
 های عظیمی برپا می گردد.

علیرغم جوترو و وحشت شدیدی
 که بر منطقه ترکمن صحرا حکم فرماید
 خلق ترکمن یکپارچه به اعتراض،
 بر می خیزد و با شرکت گسترده و عظیم
 خود در مراسم تدفین و جهلم توماج
 مختوم، واحدی و جرجانی پیوند
 فرور آفرین خویش را با آرمان
 والای رهبران شهید خود پر شکوه و
 کوبنده به نمایش می گذارند.

اکنون بیش از ۶ سال است که
 از ماجرای دردناک جنگ تحمیلی
 گنبد می گذرد. در طول این شش
 سال جنایات بی شماری بر کارنامه
 سپاه خمینی خائن و رژیم مرتجع
 و قرون وسطی اش نقش بسته است.
 جنایات وحشیانه و کینه توزانه
 رژیم جمهوری اسلامی در کردستان
 قهرمان با زبان و قلم قابل
 توصیف نیست. ولی علیرغم این
 جنایات عظیم رژیم، خلق سلحشور
 و قهرمان کردهمچنان سربرافراشته
 ایستاده است. و در راه تحقق
 خواسته های برحق خود با مرتجعین
 ددمنش مردانه پیکار می کنند.
 خلق بلوچ، خلق عرب خوزستان
 و سایر خلقهای ستمدیده ایران
 همواره زیرستمهای خونبار خمینی
 و رژیم بغایت ارتجاعی جمهوری
 اسلامی قرار دارند. جنگ ویرانگر
 و ناعادلانه ایران و عراق که
 با سماجت حیوانی خمینی، جنگ افروز

بیادشیدان

می نشینند. برخی از آنها تن را شکافته، از آن سوبیرون می زند. فوران خون، زانوان سست شده است. صدای پژواک گلو له ها، چشم ها اینک به چشمخانه به سرعت بازی می کند. قلب با سرعتی زیاد، خون بیرون می دهد ماه دیگری نور می شود. همه اسب های ترکمنی شبیه می کشند. مادران از خواب پرخوف و خون می پرند و چشم پدران بیدار در کنار فانوس ها، برق می زند.

گندمزاران موج خون شد

آسمان آبی گلگون شد



خلق مبارز ترکمن!

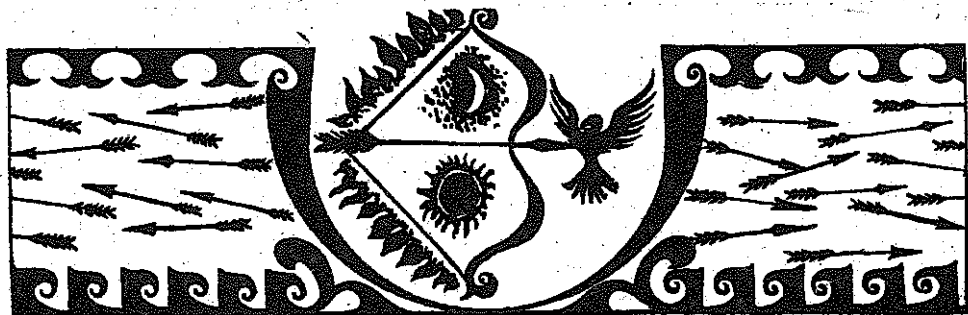
برای آزادی زندان نیا ن سیاسی این فرزندان آزاده و مبارز خلق ایران مبارزه کنید، علیه شکنجه و اعدا ما انقلابیون اعتراض کنید.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

و سایر حکام مرتجع و خائن جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد، هر روز جان تعداد زیادی از فرزندان زحمتکشان را می بلعد و بر شما ر معلولین و آوارگان و خانه خراب شدگان ایران می افزاید و منابع مادی و معنوی خلق در بند و ستم دیده ایران را روبه نابودی می برد.

ولی دیگر نقاب از چهره ریاکاران عمامه بسرو و تسبیح به دست افتاده است. دیگر تمامی زحمتکشان ایران، اعم از زحمتکشان کسرد بلوچ و عرب و ترکمن و آذری و فارس و غیره به ماهیت ضد مردمی و قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی که حامی بزرگ مالکان و کولان سرمایه داران و دشمن خلقهاست، و نیات پلید و خائنانه مرتجعین حاکم، در راس همه خمینی جنگ - آفریزی برده اند. و قریباً آزادی ورهایی از هرسوی میهنمندان بلند است.

گرامی باد یاد همه شهیدای جنگ تحمیلی گنبد! گرامی باد یاد همه شهیدای به خون خفته خلق!



انانینگ سس لىشى

شورالارنى غورماق لارنى يول
 گورگزدىلەر، اولار آرقا چىق دىتلار
 شورالارنىڭ مركزى ستادىنى
 يولاسالدى لار. بۇتىن حالقىنى
 مئز، ھىممە زىھىمىتىش لارا اولارداغ
 يالى آرقا بولۇپ دورىدولار. شۇل
 ما حالچىلى دۇولتە، ژاندارما
 دا يانىپ غارىب زىھىمىتىش داىخان
 لارنىڭ غا زانچىنى آغزىنىدان
 قاقىپ آلان فئودال لارنىڭ باسۇپ
 آلان مۇنگ لىرچە ھىكتارىرلىرىنى
 ال لىرىدىن غا نىگىرىپ آلدىق
 بىرى گىب، بىرلىشىپ لىرى
 مىزى اۇزۇمىز كىدىك، غورساغىنا
 غورغويولۇپ، اىچلىرىدىن غا ن
 كىچىب اىمىتىلدى زىھىمىتىش
 فئودال لارنىڭ توطىش لىرىدىن
 كىن لىرىمىزى گۇزۇمىزىڭ گۇر.
 جى يالى غۇرادىق، ال - الە
 بىرىپ، يۇوارادىپ كىنە كىنى
 مىزىڭ بۇل حاسىللىرى آلدىق.

غوش غورساق دۇنە لىرىڭ آلتىن
 خارمان لارنى اۇبا مىداننى مۇزدا
 آسمانغا لىدى.

پاك حالال اىرسىغالى مۇزنىڭ
 حاسىلى مۇزنىڭ شادىغا اولىنى
 خارمان تۇيۇنى توتدوق، اۇبادا
 غارىب بۇلسا، يىقىم بۇلسا،
 بايدان آزلى، حاقى كۇيىن
 چاقى يانان يىڭى يۇللىق
 بۇلسا جان يۇرە كىن "اۇز" تويلا -
 رىنى تويلا دىتلار، باغىنى لارنىڭ
 آيدىم سازى، شاھىرلارنىڭ خوش
 اۇوازى گىلىن غىزلارنىڭ شۇخونلى

تۇركىمىن حالقى اىنقىلابدا ايرى -
 نىڭ بىلىكى حالقى لارنى بىلىن
 اگىمە - اگىن اۇزخۇشاندىنى
 باتىرغاي غوشدى، غولداشۇب
 آر كالا شىب غا نخورشاھ دۇزگۇنىنى
 يۇق اتدىك، اۇنلارچا بىلىل لاب
 شاھم اۇنونگ نۇكرلرى نىنىڭ
 الىدىن، اچىرىك تۇركىمىن حالقى
 اىندى مانگلايى فئودال آق گۇن
 دۇغوب، آرقا مۇزايىل چالار "دىين
 اومىدىلىن گۇرە شەدوام بىردىك،
 اىندى اۇز اقبالى مۇزى
 اۇزباغىنى مۇزى اۇزىمىز غورماق
 اۇچىن، "اۇقووا اۇچىن، حاطاۋ -
 چىن تۇركىمىنچە مەكتەپ اۇچىن" الدن
 كىدن بىرلىرى غا يىتارنىپ الماساق
 اۇچىن، ظلمدان غا نخۇرلارى كۇ -
 كۇندىن غىرماق اۇچىن "كۇيچى
 مىزە كۇيچ غۇشوب، سە سىمىزە
 سس غۇشوب، غۇل چىرماپ، بىلىل
 غوشاب مىدان كىزدىك، باتىر،
 سۇوشىڭ، ايل گۇنۇنە وپالى،
 بىلىملى، دۇشۇنچەلى غوج يگىد -
 لىرىمىز ھىم گىلىن مۇزلارى فئودالنىڭ
 دۇشوب سىل يالى جۇشغونلى "كۇيچى
 مىزى غورما چىللىق لى صوراتدا
 دوشمانا غارىشى گۇنۇك دىردىلەر.

كۇمبىدە وپىلەكى شاھىرلىرى
 مىزە "تۇركىمىن حالقى نىنىڭ
 پىرىنكى و سىياسى كانونىنى" غوردو -
 لار، غارىب داىخان لارنىڭ، اۇبا
 زىھىمىتىش لىرى نىنىڭ كۇيىن حاساق
 لارنىڭ الماق لارنى اۇچىن اۇبا -

شادئيان گۆلكۆلرينه غار ئىلەپ
 غارىب زامەتكىش لىرىنگ بىر آغىز -
 دان " اكىن اكىنچى لىنگكى، حاصل
 زامەتكىشىنگكى " دىيىن شىعارلار ئ
 بىلەن بىرى گىپ گۆك آسماننىڭ
 آستىندا، كىنگ ساھرانىڭ
 اۋستۇندە چارپا راپا يانگلاندى
 ستادىمىزدان ھەم - دە ايرانىڭ
 بىلەكى بىرلىدىن كۆب مېخمان لار
 گىلدى . غۇچ اۋغولمىز، يۇلباشچى
 مئز شىرلى توماچ داگىلدى ھەپاك
 آرزوولاربىلەن بىزلىرى غوتلادى .
 شۇل واغتلار كۆمبىدە - ھەم
 يىغىناق لاربۇلوب باغشى سا زاندا -
 لارمىز، ياش شاھەرلارمىز
 اۋزىونغا ھۇنارلىرىنى تۇما شا جى
 لارىغا ھۇدۇرلە ياز - دىلەر . بىيىك
 شاھىرىمىز، پاراساتلىق آقشەل -
 دارمىز ماغىتىم غوللى پىراغىلى
 نىڭ " غارىب سىن آغلاما شىردىك -
 بۇلارسىن " دىيىن گۇن لىرى ادىل
 كلىپ يىتدى دىيارىدىك ، كۆچەلەر -
 يىمىزى ، مىدرسەلىرىمىزى ، كىتاب -
 بىخانا لارنى مئزى ، ماغىتىم غوللى ،
 كىمىنەمۇل لانپىس يالى شاھەرلارنى
 مئزىڭ آدى بىلەن بىزە دىيىك ،
 اما " دۇنگوزىڭ اۋلسە - دە خور -
 حورى ياتماز " دىيىلەن يالى ، اچى
 آخىمىرلىق حالق دوشمان لارنى ، غا -
 نھورفئودال لاراۋنگلى آغاللىق
 لارنى غايدىپ آلماق اۋچىسىن
 خىمىنى نىڭ ھۆكۈمىتى نىڭ غو -
 لداۋى بىلەن اۋتونگ ياراغلى
 گۈچلىرى ، پاسدارلارنى بىلەن
 تۇركمەن ساھرا مىنراغان چايقا -
 ماغى يۇرە كلىرىنە دۇوۋپ حايشن -
 لىق بىلەن اۋستۇمىزە چۈزدولار
 تۇركمەن حالقى نىڭ شىراۋىلونى
 شىرلى توماچ وىنە - دە اۋچ
 يۇلداشنىق واغشى لارچا غىناپ
 شەيدا تىدىلەر . ىنە دە نىچە - نىچە

يىگىدلىرىمىزدا ئىنقلابا وھالقا
 دۇنوك لىك ادن دۇولتىنىڭ
 لىدىن غورىيان بولدولار ، اولارچا
 لدرىن اۋغول لارنى مئزى ، زامەتكىش
 شورا لارنى مئزى زىندان لارا تىقەد -
 تىلارا ولاردان بىرنا چەسى : عبداللە
 قزل مردىگىلدى بىدار ، گۇركىن ھەلەك
 ماتىمىنى - حاللىق حاللىق زادە و
 ىنە - دە كۆپ گرچكى لىرى مئزى
 جىلادلارچا يىقىلىق بىلەن آتەتلەر .
 اما بىزىڭ آدالاتلىق گۇرە شىمىز
 تۇغما مەدى . باي فئودال لارخىمىنى
 نى ، پاسدارلارنى دادىگا ھەقنىڭ
 اۋزىرىنە زىكادىنىپ بىرلىرىمىزى
 ىنە - دە لىمىزدىن آلمىغان
 سىنا نىشپا رلار ، شورا لار ، زامەتكىش
 داىخان لاربۇلسا " شەيدلىرىڭ
 سا رەقىدى ، شورا لارنى سا قلاماق " .
 دىيىپ بىندىرتكىمەن دن جىرگاندا
 چىلى بۇتىن تۇركمەن ، ساھرا - دادا .
 غازانان حاقلارنى آغىزى
 بىرغۇرا يارار .
 خىمىنى رىمى ، گۇل واطانىمىزى
 اوروش اۋدولنا ياقىدى
 بىزىڭدە ياش يىگىدلىرىمىزى
 گۇل يالى اۋغول لارنى مئزى اۋزىد
 نىيت لىرى نىڭ غورىبانى ادىب
 جىبەلردە اۋق اۋنگۇنە يۇل لايىر
 لار . بونالدا اوروش دىنگە آغى
 بىلەن ياس گىتيريار ، اۋلاربۇلسا
 اورشا تازە غورىبان لارنى لىلە سالماق
 اۋچىن اۋبا - اۋبا اۋبا يىلانپ يۇرلەر
 بىرلىرىنى آششىب اورشا كۆمك ھەم
 سۇرا يارلار ، اما بىزە !
 شاغلاشام اۋچىن اۋغول دۇغوران بىق
 اۋغولوندا نىغرىنىدان آصلادۇيان
 يىق
 تورسون غا رداش لارنى جاندىن سۇنلەر
 تورسون جاغالارنى نىڭ غا مەنى
 اىيىنلەر

منينك حالقنم تارنخدا
 هيچ بيرشاها، هيچ بيرحانا
 ديزا پمدهي هيچ هاجان
 من انه!
 من توركمن انه سي!
 سسلن يارين اوغول لارنما، غنر -
 لارنما:

اؤموربويي هيچ هاجان
 غاننما ياش اگمه سين
 ديبب نصيحات برديم
 گورا وغلئي ننگنك املننا
 كيمده نامنيس - عاربولسا،
 يوره گينده غوربولسا،
 غالسن بوگون آياغا،
 اوز حوقوغشن غوراسنن
 ناهاق دوكوليان غاننگ
 حاسا بئني سؤراسنن
 ايبرمسين اوروشا
 چيگر بندين - بالاسن
 اشتمه سين اتهير
 انه لرنگ نالاسن .



بيزدن اؤنن غوجاق لار،
 گورا وغلئي ننگ، ماغتم غولنگ،
 كيميركورلنگ نسلي دير،
 "ايليم گونوم بولما سنا،
 آيتم گونوم دوغما سن!"
 ديين سؤزي من برديم
 كيميركورونگ نسلينه

جوانان، دانشجويان!
 ودانش آموزان تركمن!

به حمايت از مبارزات دهقانان
 تركمن صحرا برخيزيد! به روستاها
 برويد و دهقانان را نسبت به اوضاع
 كشور آگاه كنيد. اقدامات ضدكاري
 و ضددهقاني و سياستهای جنگ افروزان
 رژيم را افشاء كنيد!
 كانون فرهنگي و سياسي خلق تركمن

دهقانان تركمن صحرا!

اتحاديه هاي دهقاني را تشكيل
 دهيد!
 از شوراهاي مردمی خود حمايت
 كنيد.
 بزرگ مالكان را به روستاها راه
 ندهيد.

كانون فرهنگي و سياسي خلق تركمن

روشنفكران مبارز تركمن!

براي نجات فرهنگ ملي خويش
 عليه مستبدين ضد فرهنگ حاكم
 مبارزه كنيد. تاريخ ادبيات و هنر
 خلق خويش را پاسدا ريد و اشاعه
 دهيد.

كانون فرهنگي و سياسي خلق تركمن

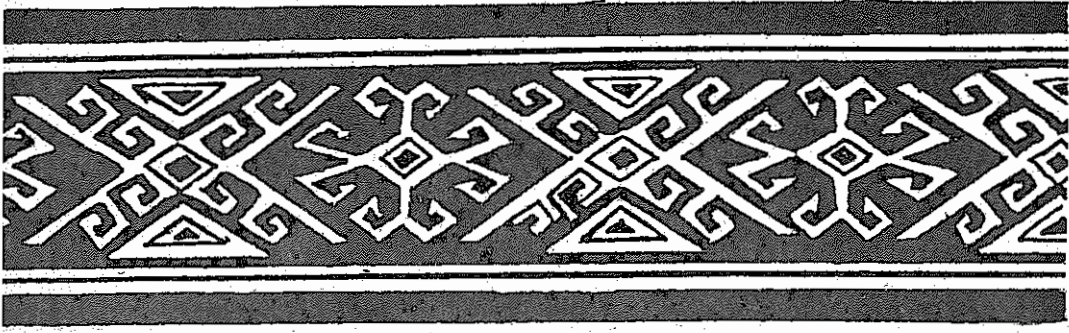
روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا !
خوانندگان گرامی ایل گویچی !

برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویچی با ما مکاتبه کنید.
پیشنهادها، نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید.
مقاله، شعر، خبر، عکس، داستان، طرح، ترجمه، منوگرافی
از روستاها، گزارش از وضع زندگی اقشار گوناگون مردم و
مشکلات آنها و هر مطلب دیگر در رابطه با زندگی و مبارزه خلق
ترکمن را برای ما بفرستید.
از هرگونه همکاری با ایل گویچی دریغ نکنید.
ایل گویچی را وسیعاً پخش کنید و به علاقمندان برسانید!

H. D.
Postfach 106463
2800 Bremen
W. Germany

آدرس پستی:

پشت جلد تصویری از شهدا توماج، واحدی و جرجانی پس از ترور
ناجوانمردانه آنها توسط خمینی جلد



کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن